

رابطه نهضت آزادی با سفارت آمریکا کافاش شد

دانشجویان پیرو خط امام دیشب طی يك افشاگری بسیار مهم از فعالیت‌های نهضت آزادی برای حفظ منافع آمریکا در ایران پرده برداشتند

امیر انتظام به عنوان عضو کمیته مرکزی نهضت آزادی با سفارت آمریکا رابطه داشت

بقیه در صفحه ۷



مردم

از گان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۲۷
چهارشنبه ۵ دیماه ۱۳۵۸ - شماره ۱۰ ریال

قابل توجه شورای انقلاب

آیا جای نگرانی نیست؟

یاران واقعی مشی انقلابی امام نباید اجازه دهند که به پشتیبانان این مشی حتی از میان صفوف درونی جنبش اهانت شود.

چون آسانی لجن‌مال کند. نه ، تصادفی نیست.

اسلوبی که آقای شمس‌الاحمد نیز بکار برده است، یعنی دم از اخلاص بر میان به شخص امام و اسلام و سپس منتسب کردن همه توطئه های ضدانقلابی در ایران، حتی نشر ورقه‌های پامضاه شخصی بنا می‌ریزد در تهران که قبلا در آراء ارگان‌ها و انقلابیون شاهپرست چاپ پاریس منتشر شده بود، به انقلابیون راستین ، اسلوب تصادفی نیست و از مختصات شخصی آقای آل احمد ناشی نشده است. خط محرکان اصلی در همه این

سخنرانی طولانی آقای شمس آل احمد در «صدای جمهوری اسلامی ایران» (یکشنبه ۴ دیماه ۱۳۵۸) که تنها و تنها هدایتی حملات خشن و کین جویانه علیه کشورهای سوسیالیستی (ویش از همه اتحاد شوروی) و علیه نیروهای چپ (و بیش از همه حزب توده ایران) بود ، نمی‌تواند تصادفی باشد. تصادفی نیست که يك تریبون سراسری ایران به سخنرانی داده شود که می‌تواند با تظاهر به ارادتمندی نسبت به امام خمینی و مشی ایشان، دوستان انقلاب ایران و مبارزان صمیمی راه استقلال و آزادی این کشور را با عداوت

جریانات بشکلی کاملاً خوانادیده میشود.

روزنامه «اطلاعات» ، در تاریخ ۲۹ آذر، از قول «انجمن اسلامی کارکنان نفت تهران» نوشت: «تجربه ثابت نموده که عوامل فعال ساواک، سازمان سیا، ایادی رژیم قبلی، فراماسونها با سفارت و زیرکی خاصی در برخی از ارگانهای حیاتی سلطنت نفوذ کرده و سیاست شیطان گیر (آمریکا) را دنبال می‌نمایند.»

روزنامه «جهاده» در شماره ۲۶ آذر، نوشت: «همه تحریکات و جاذبه سازیها علیه نیرو های واقعی انقلابی (و نه آنها که بتازگی

دیگری در ادوات ایران برای دومین بار پخش شده که در آن نیز اسلوب نظیر بکاررفته بود. یعنی ضمن ابراز ارادت تاحد ریاکاری بقیه در صفحه ۲

باشرکت کارگران، دهقانان و دانشجویان برگزار شد:

راه پیمائی بزرگ علیه فئودالیسم



یکی از پلاکاردها:

مبارزه با فئودالیسم جدا از مبارزه با امپریالیسم نیست

حجت الاسلام شبستری: «مبارزه با آمریکا، مبارزه با ستم آمریکا است. مبارزه با استثمار آمریکاست. چگونه ممکن است ما با این ظلم و ستم آمریکا مبارزه کنیم، ولی در کشور خود با استثمار مبارزه نکنیم؟»

دهقانان زحمتکش عزم راسخ خود را برای ریشه کن کردن فئودالیسم اعلام میدارند

همه گل‌ها بدست ما

عبورکنندگان از گره‌های کور همه بشوندند بدست ما
خروش قله چشم‌براه خورشید خورشید بدست ما
برگها در انتظار واژه‌ای نو همه واژه‌ها بدست ما
تیرگی، چشم‌براه چراغ چراغ بدست ما
خاکستر سرد در امید شعله واخگرها بدست ما
لبها در انتظار سرودی تازه گلدانها در انتظار گل خروسها در انتظار طلوع وهمه سروردها، گلها، نورها بدست ما همه نگاهها بدست ما دنیا بدست ما.

در ۸ صفحه امروز:

گرایشهای مثبت و نو، در روزنامه‌ارگان چریکهای فدائی

هواداران نظریات مانو نیستی یا گروه اشرف دهقانی نه فقط با خرابکاریها و نظریات انحرافی خویش به انقلاب زیان می‌زنند، بلکه همچنین چریکهای فدائی را نیز به انحرافات خویش می‌آلاینند.

طرح ملی کردن بانک‌ها در چه مرحله ایست؟

صفحه ۴

ضدانقلاب صنعت نفت را هدف گرفته است

صفحه ۶

امیر انتظام در دادگاه علنی

یک سال از شهادت استاد کامران نجات‌اللهی گذشت:

استادی از تبار

از روزنامه طریق الشعب

ارگان مرکزی حزب کمونیست عراق:

حزب توده ایران و موضعگیری اصولی در مبارزه برای حفظ گسترش انقلاب

از زمان پیروزی قیام توده‌ها در ایران، حزب برادر توده ایران، نقش درخشان و مهمی در مبارزه برای حفظ و گسترش انقلاب و دستاوردهای آن و نیز در مقابله با توطئه‌های ضدانقلاب و امپریالیسم آمریکا و عمال آن در داخل کشور و در منطقه ایفا کرده است.

ناظران سیاسی، شاهد برخورد عاقلانه مسئولان حزب برادر در مقابل وقایع تحریک‌آمیز در ایران، تشخیص صحیح آنچه که در انقلاب ایران اساسی است و نیز ارزیابی درست از رهبری مذهبی آن، هستند. ازجمله نتایج این سیاست، افزایش محبوبیت حزب در بین مردم، گسترش پایه‌های آن و تحکیم موقعیت حزب در جنبش سیاسی و مذهبی مترقی ایران است.

آنچه که مایه افتخار است، اینست که حزب برادر، حزب توده ایران، بر ضرورت بسیج تمام احزاب و نیروهای مترقی و منجمله، محافل مذهبی آگاه و راستین و متحد نمودن مساعی آنان در چارچوب ائتلاف ملی و دمکراتیک تأکید دارد. این مساعی حزب، تفاهم روزافزونی را در میان سازمانهای انقلابی ایران پدید آورده است.

چراکه تحقق این شعار صحیح، یعنی وحدت نیروهای ملی، دمکراتیک و مترقی یکی از شرایط غلبه انقلاب پس حملات وحشیانه امپریالیسم در این موقعیت حساس و پیچیده است. رشد مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا، اقتضای توطئه‌های آن در ایران و منطقه و نیز قطع منافع غارتگرانه آن از یکطرف و از طرف دیگر، تکیه بر توده‌های مردم و تأمین شرکت فعال و وسیع آنها در سرکوشش، تحکیم آزادیهای دمکراتیک و تأمین شرکت کلیه نیروهای انقلابی و مترقی در روند مبارزه علیه دشمنان خلق، تقویت مناسبات با کشورهای سیستم جهانی سوسیالیسم و کلیه نیروهای انقلابی در جهان، اتخاذ تدابیر اقتصادی و اجتماعی لازم برای تأمین استقلال اقتصادی و بالابودن سطح زندگی توده‌های زحمتکش و حل مشکلات آنان، به حفظ و گسترش انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی یاری میرساند.

در این شرایط حزب برادر ما، در بیانیه‌ها و در زندگی عملی، بر این عوامل تکیه می‌کند و هشدار میدهد تا با توجه به تجربه نهضت ملی دکتر مصدق که بدست ضدانقلاب شکست خورد، از تکرار حوادث تلخ، ممانعت شود. آنچه مایه افتخار است بویژه آنستکه توده‌های ایران از درک عمیقی در مورد مساله ملی برخوردار بوده و در چارچوب مفهوم لنینی آن، برای تأمین حقوق حقه خلقهای ایران منجمله خلق کرده، مبارزه میکنند.

درد پر حزب توده برادر ایران که پرچم مبارزه را با از خود گذشتگی و تحمل قربانیهای بسیار برافراشته‌اند و در راه تحقق آرمانهای خلق ایران، گام بر میدارند.

درد و سیاست کمونیست و دمکراتهای عراق، بر دین پیشتیانی می‌کنند. درد بر مردم قهرمان ایران که به جهانبانان درسهای گرانبهای در نبرد انقلابی و مقدس خویش علیه امپریالیسم آمریکا، می‌آموزند. روزنامه مخفی طریق الشعب - ارگان مرکزی حزب کمونیست عراق شماره ۵ اواسط دسامبر ۱۹۷۸ (اواخر آذر ۵۸)

رئیس‌های حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان! ما میخواهیم همراه شما و به کمک شما جشن چهلین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم. برای خریدن و یا ساختن خانه حزب به کمک مالی شما نیازمندیم. با کمک خود در این جنبش همبستگی و خلقی شرکت کنید. کمک مالی خود را به نام رضاشلوکی، شماره بانکی ۸۶۸، بانک تهران، شعبه ایرانشهر شمالی بپردازید.

توجه: (۱) پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به تمام شعبه‌های بانک تهران ممکن است. (۲) از کمک کنندگان خواهشمندیم فتوکپی فیش بانکی را به آدرس دبیرخانه کمیته مرکزی: تهران، خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸ ارسال دارند.

رئیس‌های کمیته مرکزی حزب توده ایران با درود فراوان با اطلاع میرساند که ما اعضای هواداران حزب توده ایران در شرکت برق منطقه‌ای تهران تمهید می‌کنیم که تا پایان ساختمان کامل خانه حزب، همه ما همگی یکروز حقوق خود را برای تأمین تا به عنوان هم‌درجین چهلین سال حزب در خانه خودمان شرکت کنیم.

اعضاء و هواداران حزب توده ایران در شرکت برق منطقه‌ای تهران

۴ دیماه روزنامه‌ها خبر دادند: سازمانیکه با پوشش «اسلامی» کلاهبرداری میکرد کشف شد. طبق اعلامیه دادستان کل انقلاب ایران این سازمان تنها «اخائی» و کلاهبرداری نمیکرد (که این خود در شرایط انقلاب عملی است یا مضمون ضدانقلابی) بلکه دارای پاسدار مسلح، کارت عضویت سازمان و مهر مجاز حمل اسلحه که ساختن آن غیرقانونی میباشد، بوده است. بپارتدوگر سازمانی بوده است ضدانقلاب اسلامی با پوشش «اسلامی».

چند روز پیش ماهیت ضدانقلابی سازمان دیگری با پوشش «اسلامی» بنام «حزب خلق مسلمان» بقدری واضح و آشکار شد که به گفته حاجت‌الاسلام خامنه‌ای «فکر نمی‌کنم لزومی داشته باشد که شورای انقلاب آنرا منحل اعلام کند، چون مردم، گروه‌ها و علما درخواست انحلال آنرا کردند و این حزب هم، پس دلیلی خودش احساس کرد که ادامه کار برایش مقهور نیست و البته «موت» (هنوز ضدانقلاب امید به فعالیت‌های بعدی دارد) اعلام انحلال کرد.

از افراد جداگانه و متعددی که آنها هم باز زیر همین پوشش

«اسلامی» علیه انقلاب اسلامی مردم ایران عسبان کرده و از طرف دادگاههای اسلام انقلابی بحق از خلع لباس روحانیت گرفته تا توقیف و حبس و غیره محکوم شده‌اند نام نمیریم. درباره هر دوی این نوع سوءاستفاده (فردی و گروهی) از پوشش «اسلامی» کافی است گفتار مدبرانه رهبر انقلاب امام خمینی را به خاطر داشت که بدقعات وجود مناقضین نظیر معاویه را از صدر اسلام تاکنون مذکور شده‌اند و بویژه «اشکالات عظیم» مبارزه علیه آنان را گوشزد کرده‌اند.

به‌بینیم این قبیل افراد، گروه‌ها، سازمانها و احزاب (که روی پرده اقلیت‌ناچیزی را تشکیل میدهند) چرا زیر پوشش «اسلامی» علیه انقلاب اسلامی اکثریت قریب و اتفاق مردم ایران عسبان می‌کنند. جواب این سؤال را روی داده‌های واقعی زندگی روزانه داده و میدهد. خبرنگاریکه سخنرانی چالب استاد رضا اصفهانی معاون وزارت کشاورزی در شیراز رابه

در مطبوعات کشور

تلگرام اهوازی به شورای انقلاب عوامل بازدارنده طرح تقسیم زمین را افشاء کنید بسم الله الرحمن الرحیم شورای انقلاب اسلامی ایران! در روزهای اخیر عنوان شدن طرح انقلابی و اگاداری زمینهای بزرگ توسط برادر استاد رضا اصفهانی، زمینداران و ملاکین و عوامل

قسمتی از اعلامیه‌های جنبش مسلمانان مبارز روش و بینش دولت و شورای انقلاب باید در جهت خط امام دگرگون شود

ما اکنون امام و دانشجویان مبارز و کل مبارزه ضد امپریالیستی خلق زیر فشار همه‌جانبه امپریالیسم و مزدوران و محافل سازشکار وابسته به آن قرار دادیم، با کمال تأسف باید اذعان کرد که ارگانهای تصمیم‌گیر و اجرایی قدرت و ظرفیت مقابله با این توطئه‌ها و توان همراهی و همکاری، چه رسد به پشتیبانی با مبارزه ضد امپریالیستی خلق و خط حرکت امام را ندارند این حقیقت را تجربه ده ماه گذشته بخوبی ثابت کرده است...

درد روز نتایج اشغال جاسوسخانه آمریکا آمده است، ... در حرکت و بسیج مجدد توده‌ها و رشد آگاهیه‌های سیاسی آنها، تخفیف تشوای درون خلقی و بی‌اعتبار شدن معیارهای انحرافی و بارز شدن تضاد عمده خلق با امپریالیسم، شناخته شدن پایگاه‌های امپریالیسم در داخل، سرمایه‌داری و فئودالیسم و آشکار شدن چهره متحدین و نیروهای سازش‌کار و محافظه‌کار، مرتجعین، لیبرالها و اصلاح‌طلبان، جدا کردن صف این محافل ارتجاعی سازشکار و محافظه‌کار از صف توده‌های انقلابی و مشخص‌تر کردن خط حرکت انقلاب و امام...

جنبش مسلمانان مبارز پیشنهاد میکند، «تعمیر بنیادی کادرها و ارگانهای تصمیم‌گیری و اجرایی بمنظور تصفیه عناصر سازشکار و محافظه‌کار و تقویت آن به کمک هم‌عناصر جوان و انقلابی و برخورد آرزویش» مکتبی و صداقت و وفاداری به انقلاب... تجربه ده ماه گذشته ثابت کرد که روش و طرز عمل و پیش فکری و مشی دولت و شورا در مجموع با مقتضیات و ضرورتهای انقلاب و پیچیدگی مبارزه و شرایط موجود متناسب و هماهنگی ندارد... آنان خط امام را بطریق مذاق و پیش و مصلحت فردی تفسیر میکنند، این طرز عمل برای انقلاب سهمناک است.

از سوی دانشجویان مسلمان دانشگاه علم و صنعت: افشای تمام عناصر و شبکه‌های سیا و ساواک در خواست شد

درد زمانی که ارتجاع بانامی تلاش‌سی در ده انحراف کشیدن مسیر مبارزات ضد امپریالیستی خلق قهرمانان داشت. شما با تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، شوری تازه در ایران آفرینیدید و اکنون که باز ارتجاع با حمله به مراکز نیروهای انقلابی قصد دارد رسالت خویش را انجام دهد و مبارزات ضد امپریالیستی را به مبارزه علیه انقلابیون جان‌برکف تبدیل نماید، شما با افشای یکی از مزدوران آمریکا بار دیگر پیچیدگی امپریالیسم و لزوم هوشیاری مردم را مطرح کردید. مطمئن باشیم که تنها «عباس امیرانتظام» عامل امپریالیسم در ارگان‌های حکومتی نبود و باید با هوشیاری انقلابی تمام عوامل امپریالیسم را نابود نماییم.

پوشش «اسلامی» و صداقت انقلابی

قلم آورده بدرستی این عنوان را برای آن انتخاب کرده است: «نقاب مذهبی بعضی سرمایه‌داران و فئودالها مولود اتحاد ناقص زر و زور و تزویر است». یک هفته پیش (۲۷ آذر) دادستان انقلاب اسلامی سیستان و بلوچستان که بریدن گوش و دیدن شکم کشاورزان بدست فئودالها را خبر میداد در مقابل همین اتحاد ناقص فئودالها، ساواکیها، چپ‌نماها از امام استمداد می‌جست. ۲ روز پیش ما از توطئه ارتجاع بزرگ‌مالکی کیند قابوس زیر پوشش شعارهای بظاهر اسلامی مطلع شدیم. از اینگونه رویدادها بسیار میتوان شمرد.

بوضوح هر چه تمام‌تر دیده میشود که اینجا در واقع صحبت (و نه فقط صحبت بلکه مبارزه) مرگ و زندگی) بر سر دین و مذهب نیست بلکه بر سر حفظ و ازباید آن منافع مادی و معنوی غاسبانه و ناپحقی است که از استثمار بیرحمانه کشاورزان و کارگران مستضعف بدست آمده

ایران درخواست استرداد شاه مخلوع را از آمریکا دارد



حالا چرا تحویلش نمیدی؟ - موسام - آخه میترسم نوکرهای دیگه رو از دست بدم!! (انقلاب اسلامی - ۲۶ آبان)

بکشیم «امیر انتظام» های نقابدار رسوا شوند

مضحک است. کوله‌بار امانتی که تا اینجای راه جز بردوشهای پرتوان مصدق‌ها، نوابها، طاقانی‌ها، حنیفها، سعیدی‌ها، غفاریها، شریفها و سرتاج‌های امام خمینی، حمل نشده است از این پس باید بردوشهای ناتوان یا «توانا برای خیانت» امیرانتظامها، مراغه‌ای‌ها، نیک‌خلق‌ها و جداگانه شیر پاک‌خورده‌هایی مثل نزه‌ها و ایزدی‌ها حمل شود اینجا است که باید به یک نکته اساسی عمیقاً توجه کرد. و آن نکته اینست که هرگز نباید ماجرای افشاکاری امیرانتظام را فقط بشکل یک خبر که برده‌ها در «بلاط محرمات» یک فرد یا یکانه بر میدارند، در قالب مثنی اسناد و مدارک ارائه کرد و قضیه را تمام شده دانست. آنچه مهم است «تحلیل» خیراست نه افشای آن. پدیده «امیر انتظام» نباید چنان طرح شود که انگار یک حادثه است و یک فرد. باید این پدیده را بصورت یک «جریان» درستی جامعه‌شناسی کرد و مردم نشان داد. دانشجویان پیرو خط امام بهترین میداننده باید «خبرتحلیلی» ارائه کنند. و از حضور یک و افشای روابط جاسوسی امیرانتظام به مسائل ذیل بپردازند:

— نخست اینکه آیا این «امیرانتظام»، تنها امیرانتظام دنیا است یا «امیر»هایی دیگر نیز نظیر او هستند که می‌کشند رشته انتظام امور را بدست گیرند؟ — باید در وسوایق زندگی، مسیر حرکت، مراحل مختلف فکری و عملی، موضعگیریها، اعتقادات، حرفها، اظهارنظرها و بالاخره خط مشی و عملکرد این طوطی سخنجو بیست و چه بوده است؟ مجموعه صفات او را باید جمع‌بندی کرد، ارزیابی کرد و «خط» او را کشف کرد. در حال حاضر میان اینهمه خطوط، خط امیرانتظام هم‌خطی است و ویژگیهای این خط را باید برای عموم تشریح کرد و برشمرد. باید نشان داد که امیر-انتظامها محصول چه جریانی است، جزء کدام کل است و نقطه کدام خط؟

— پدیده امیرانتظام، یعنی کنار گذاشتن معیار «تقوی خودسازی»، «ایمان و اعتقاد عمیق» به ایدئولوژی‌های بخش اسلامی، «شناخت مکتبی» و «میزان سرمایه‌ای» که در راه مبارزه و جهادشکجه باید اندست داده در انتخاب و واگذاری مسئولیتهای یراز انقلاب، راستی

اگر معیارهای مکتبی بکار گرفته میشد، انصاف دهید، سخنجوی نخستین دولت انقلاب چه کسی باید میبود؟ عباس امیرانتظام یا فی المثل یکی از همین دانشجویان پیرو خط امام؟ اکنون سخن علی(ع) را باید گفت که اگر کسی «از این ننگ بزرگ ببرد سزاوار است». آخر امیرانتظام را مسئولیتی داده بودید که در صدر اسلام برعهده بلال حبشی بود. بلال حبشی سخنجو و مردود اسلام. — پدیده امیرانتظام، یعنی عدم اعتقاد به مشی قاطع انقلابی و پافشاری «بر سیاست گام بگام» آنچه در دوران انقلاب، انقلابی چنین نیرمند و مقتدر. وقتی سرخا بگوئیم «چرا نام بنیاد پهلوی را به بنیاد علوی تغییر داده‌اید؟ این مرض اسمعوش کردتها چیست؟» و هنگامی که اعلام کنیم، «باید باز کرد به اصل خود همه چیز» و همانجا بماند که بوده است، طبیعی است که کارکنان و سخنجوی دولت و همکاران و معاوانش همانها باشند که نباید باشند و هستند. — از ما چه پنهان از این امیرانتظامها بحمدالله بسیار است! بسیارند که با عمل خویش می‌گویند، «امیرانتظام، راحت ادامه دارد» هر جا، هر کس راه او را میرود یک امیر انتظام است. برای ضرب زدن با انقلاب لازم نیست که نام آدم جتاد در لیست ساواک و سیا باشد. این پدیده‌ها فقط پدیده‌های آزرده‌اند که مخفی‌کاری کردند. فراموش کردید که بعضی‌ها روز روشن هم راه سعید مقدم به کاش شاه برده شدند و بعضی در برابر دوربینهای خبرنگاران به گفتگو با برزیلکی نشستند؟

طرح ملی کردن بانکها در چه مرحله‌ای است؟

نظام بانکی یکی از مهمترین ارکان اقتصاد هر کشور است، زیرا سیستم بانکی شبکه مهم پیوندهای است که گردش کالا و جریان بازتولید اجتماعی را تسهیل میکند. بانکها از یکسو از طریق جذب سپردهها و پس اندازها و از سوی دیگر با تخصیص اعتبارات گوناگون به فعالیتهای مختلف، میتوانند به تحقق رشد اقتصادی و برنامه های عمرانی کمک کنند.

چهارم تولید و خودکف کردن کشور اجتناب نمیکردند. برای مثال، در سال ۱۳۵۶ کل اعتبارات اعطائی سیستم بانکی به بخش کشاورزی حدود ۱۳ درصد از کل اعتبارات را تشکیل میداد، حال آنکه حدود ۶۰ الی ۷۰ درصد جمعیت فعال کشور در بخش کشاورزی به کار اشتغال داشت و واردات مواد غذایی از خارج به ۱۵ میلیارد دلار رسیده بود. از سوی دیگر، از دیاد درآمد نفت و توزیع نامتعادل بودجه حاصل از درآمدهای دولت، که نفت قسمت اعظم آنرا تشکیل میداد، موجب شده که عدم توازن شدیدی در رشد بخشهای مختلف اقتصاد بوجود آید، بطوریکه در پایان سال ۱۳۵۶، ارزش افزوده در بخش صنعت ۲۲ درصد و در بخش کشاورزی ۹ درصد تجاوز نکرد، ولی سهم خدمات بانکی و غیرتولیدی از ۴۰ درصد نیز فراتر رفت.

دولت موقت بجای ملی کردن بانکها، که در آن زمان از نظر ضرورت و اهمیت آن تردید داشت، تصمیم گرفت وضع بانک های خصوصی ورشکسته را بهمان صورت سابق، یعنی بدون سلب مالکیت از سهامداران بزرگ و خارجی، که اغلب آنها به خارج از کشور گریخته بودند، سرو سامان بدهد.

چه اقداماتی در جهت اجرای ملی کردن بانکها ضرورت دارد؟

دولت موقت پس از انقلاب، برای حفظ رسالت از منافع سرمایه داران طاغوتی و فراری چون رضائیها و غیره مبالغ هنگفتی حدود ۲ میلیارد تومان اعتبار به بانکهای ورشکسته اعطاء کرد و نسبت ذخیره قانونی و اجبار آنهابه خرید اوراق قرضه دولتی را کاهش داد. هنگامی که بانکهای خصوصی در خردادماه ۱۳۵۸ ملی شدند، علیرغم اغراض دولت موقت نسبت به سرمایه داران بزرگ وابسته، هر چند وضع نقدینگی بانکها سروسامان یافته بود، اما خطر ورشکستگی همچنان آنها را تهدید میکرد. اعطای اعتبار مجدد به بانکهای خصوصی ورشکسته و عدم تغییر و پاکسازی مدیریت آنها موجب شد که همان ایدای فاسدی که نسبتاً بانکها، بلکه اقتصاد کشور را بویاری و اضمحلال کشنده بودند، بتوانند بخش اعظم اعتبارات و سپرده های مردم را به لابی فساد و رشوه و سایر راههای نامشروع و دلالان به خارج از کشور منتقل کنند. حمایت دولت موقت از نظام بانکی خصوصی و کمک به رشد سرمایه داری از یکسو و رفتار توده های مردم و شورای انقلاب در جهت ملی کردن بانکها از سوی دیگر، حاکی از تضاد عمیقی بود که بین شورای انقلاب و دولت موقت وجود داشت.

برای شهیدان حزب و جنبش

مردم، در نظر دارم که تمام مبارزانی را که در دوران سلطنت ننگین و منفور خاندان پهلوی در راه آرمانهای ملی و میهنی و انسانی خود شهادت رسیده اند، جمع آوری کند.

انهمه میهن دوستان و آزادی خواهان تقاضا میشود که هر یک از این مبارزان شهید دارند، به دفتر «مردم» مراجعه کنند. باسپاس - مردم

در حاشیه نمایشگاه «رهائی از سلطه صنعتی آمریکا»

کالاهائی که در نمایشگاه «رهائی از سلطه صنعتی آمریکا» در محل نمایشگاه بین المللی ایران به معرض دید عموم گذارده شد، درجه وابستگی تاسفناک ایران را به کشورهای آمریکاییستریز بویژه آمریکایلیس آمریکا به وضوح نشان داد. نشان داد یک کشور زرخیز و مردمی قانع و زحمتکش چگونه سالیان دراز ثروتش را به نیامی آمریکاییس رفت و نیروی کار و توانش ملی دهها سال جیب غارتگران بین المللی را انباشت. نشان داد چگونه ایران به بازار مصنوعات آمریکاییس از موتور بخت بولینگ گرفته تا بیج و سهره و کفش و لباس تبدیل شد، تا آمریکاییس غارتگر بتواند تا آخرین دلار ثروت مردمی محروم را برپایه و خود را از خون و عرق و اشک زحمت کشان ما فریبه و فریبت سازد.

از سلطه شوم سلسله خان پهلوی بر مین ما نزدیک شصت سال میگذرد. در این شصت سال چه دگرگونیهایی شگرف که در بسیاری کشورهای جهان رخ داده است. جمهوری سوسیالیستی شوروی را بنکریم که شصت سال پیش در شرایطی مشابه اوضاع ایران آغاز کردند و امروز به برکت انقلاب کبیر سوسیالیستی کبیر به مدارج عالی پیشرفتهای علمی و صنعتی دست یافته اند. به کشورهای اروپای شرقی نگاه کنیم، که بسیاری از آنها تقریباً از هیچ شروع نمودند و امروز خود صادرکنندگان کالاهای صنعتی و کشاورزی هستند. به آن عده از کشورهای در حال رشد نظر افکنیم که با اتخاذ یک سیاست صحیح، اقتصاد ملی خود را پیریزی نموده و روز بروز وابستگی خود را به جهان آمریکاییس کاهش داده اند.

اما ایران؟ کشور ما به علت دست نشاندهی و وابستگی پهلوی (پدر و پسر) به آمریکاییس، بازار فروش مصنوعات غرب و صادرکننده مواد خام شد. به نحوی که امروز پس از شصت سال در زمینه صنعت قادر به ساختن مستقلانه یک سوزن هم نیست. کالاهای عرضه شده در نمایشگاه «رهائی از سلطه صنعتی آمریکا» نشان داد که ۹۰ درصد کالاهای نمایش غرقه نیروی زمینی و سمندری صد غرقه نیروی دریائی مصنوعی کشورهای آمریکاییس و قبل از همه آمریکا است. اکنون چه باید کرد تا رشته های این وابستگی شدید بکسلد. و کشور ما بتواند دوری پهلوی خود بپایستد؟ نخستین اقدام ضرورت اتخاذ تدابیر لازم برای تقویت صنایع سنگین، صنایع مادر است که شرط نخست آن بنیانگذاری صنایع موجود کشور، با تدوین یک برنامه هنجاری از نظر ملی کردن کلیه صنایع متعلق به وابستگان رژیم پیشین، از نظر تأمین مواد اولیه و تعیین مدیریت کارخان و حمایت معقول از این صنایع هر چه زودتر اقدام کرد. بویژه در شرایط حساس کنونی که آمریکاییس آمریکا و متحدانش کشور ما را به محاصره اقتصادی تهدید میکنند و بدست عوامل خود در داخل کشور درصدد ایجاد کمبود کالا و ایجاد نارضائیها هستند باید با تدابیر صحیح تولیدات داخلی را جانشین واردات کالاهای صنعتی از کشورهای آمریکاییس نمود و با اقدامات تشویقی و حمایتی به صنایع داخلی امکان رشد و نمو داد. تنها در این صورت است که میتوان «رهائی از سلطه صنعتی آمریکا» را به حقیقت بدل ساخت.

توصیه به رفقای حزبی، هواداران و دوستان در مورد اخباری که برای «مردم» می فرستند

بسیاری از رفقای حزبی و هواداران و دوستان حزب، در زمینه های گوناگون برای «مردم» خبر می فرستند، که موجب تشکر فراوان است.

«مردم» بر اساس اطمینان و اعتمادی که به رفقا و هواداران و دوستان دارد، از این خبرها استفاده میکند برای اطمینان به صحت اخبار، چنانچه به اینکه فرستندگان اخبار و گزارشها مسئولیت خطیر خود را در این زمینه بخوبی درک می کنند. امکان دیگری ندارد. ولی متأسفانه تاکنون در چندین مورد معلوم شده که اخبار دریافتی دقیق نبوده است. از آنجا که «مردم» روزنامه ای است مسئول در میان مردم صاحب نفوذ و اعتبار است، و از آنجا که در شرایط بسیار حساس کنونی اخبار نادقیق ممکن است موجب سوء تفاهم شود و نتایج ناگواری ببار آورد و نیز به نفوذ اعتبار حزب لطمه بزند، از همه رفقای حزبی و هواداران و دوستان خواهشمندیم که در کسب و تهیه خبر نهایت دقت را مبذول دارند.

نمایشگاه پیاد دکترونی ارانی رهبر زحمتکشان ایران

۱۴ بهمن، سالگرد شهادت دکتر تقی ارانی، رهبر زحمتکشان ایران است. بدین مناسبت قرار است نمایشگاهی پیادین دانشمند اطلاعات خود را در اختیار دبیرخانه انقلابی شهید تقدیم نماید. کمیته مرکزی حزب توده ایران از همه کسانی که عکس یا اطلاعاتی درباره زندگی خصوصی و خواهد بود، خواهش میکند.

نام نویسی در حزب توده ایران

کارگران و زحمتکشان هوادار دبیرخانه کمیته مرکزی حزب حزب توده ایران که مایلند در حزب توده ایران واقع در خیابان ۱۶ آذر ثبت نام کنند، ولی در ایام هفته ضلع غربی دانشگاه تهران، مراجعه فرست اعتبارات نام نویسی را بپذیرد.

دولت موقت پس از انقلاب، برای حفظ رسالت از منافع سرمایه داران طاغوتی و فراری چون رضائیها و غیره مبالغ هنگفتی حدود ۲ میلیارد تومان اعتبار به بانکهای ورشکسته اعطاء کرد و نسبت ذخیره قانونی و اجبار آنهابه خرید اوراق قرضه دولتی را کاهش داد. هنگامی که بانکهای خصوصی در خردادماه ۱۳۵۸ ملی شدند، علیرغم اغراض دولت موقت نسبت به سرمایه داران بزرگ وابسته، هر چند وضع نقدینگی بانکها سروسامان یافته بود، اما خطر ورشکستگی همچنان آنها را تهدید میکرد. اعطای اعتبار مجدد به بانکهای خصوصی ورشکسته و عدم تغییر و پاکسازی مدیریت آنها موجب شد که همان ایدای فاسدی که نسبتاً بانکها، بلکه اقتصاد کشور را بویاری و اضمحلال کشنده بودند، بتوانند بخش اعظم اعتبارات و سپرده های مردم را به لابی فساد و رشوه و سایر راههای نامشروع و دلالان به خارج از کشور منتقل کنند. حمایت دولت موقت از نظام بانکی خصوصی و کمک به رشد سرمایه داری از یکسو و رفتار توده های مردم و شورای انقلاب در جهت ملی کردن بانکها از سوی دیگر، حاکی از تضاد عمیقی بود که بین شورای انقلاب و دولت موقت وجود داشت.

آخرالمر دولت موقت با صدور لایحه ای دوپهلوی، که هر گونه تفسیر مغرضانه از منافع آن امکان پذیر است، با قبول داصل احترام به مالکیت مشروع و مشروطه، به ملی کردن بانکها تن درداد. آقای محمدعلی مولوی رئیس اسبق بانک مرکزی، که تعدادی از وابستگان خود را در راس بانکهای ملی شده قرار داد و با مدیریت قدیمی رها کرده، با کارشکنی های عدیده مانع ملی شدن بانکها، و بعد از صدور لایحه «ملی کردن بانکها» سدره اجرای سلب مالکیت از سهامداران بزرگ بود.

اکنون نیز بسیاری از مدیران بانکها، که برخی از آنها در کنفرانس سراسری های اقتصادی نظریات خود را مبنی بر مخالفت با ملی کردن بانکها ابراز داشته اند، به نوازی مختلف در راه ملی شدن واقعی بانکها کارشکنی میکنند. نکته جالب اینجاست که برخی مقامات دولتی و بانکی، بخصوص آقای مولوی اعلام داشتند که سرمایه بانکها ملی نشده است، بلکه مدیریت آنها دولتی شده است، در حال حاضر بسیاری از مدیران سابق بانکها در مقام خود باقی مانده و با سایر مدیران عوضی بجای خود را با سایر مدیران عوض کرده اند. در حالی که بدلیل خدمات فراوانی که این مدیران در رژیم گذشته بنفع رژیم منفور پهلوی انجام داده اند نسبت به صلاحیت اخلاقی و انقلابی آنها شک و تردید فراوان وجود دارد. نتیجه اعمال ویا تعدد دولت موقت در مورد برکنار ساختن مدیران طاغوتی بانکها، فرار مقتضایه جلیل شرکاء، رئیس بانک ملی ایران و معاون اسبق هوشنگ انصاری نوکر سرسپرده آمریکاییس آمریکا در رژیم گذشته است.

علاوه بر کلیه اشکالات فوق، بدلیل آنکه دولت موقت ملی قریب به ۹ ماه فعالیت خود، فاقد هر گونه برنامه مشخص اقتصادی بود، بانکهای کشور، اعم از دولتی یا ملی شده، نتوانستند در راه اندازی و اعاده رونق به اقتصاد بحران زده کشورمان منجرش واقع شوند. شاهد این مدعا عدم جذب اعتبارات است. شده

علاوه بر جمیع عواملی که فوقاً ذکر شد، عدم کنترل خروج ارز و سرمایه از کشور و ادغام سرمایه های بانکی و صنعتی، گرایش نوبنی در رشد نااهنجار سرمایه داری وابسته در کشورمان بوجود آورد؛ بانکهای خصوصی در ایران تا قبل از پیروزی انقلاب، بخش بسیار بزرگی از سهام کارخانجات و سایر شرکتها را تحت تملک خود در آورده بودند، بطوریکه در اواخر عمر رژیم فاسد پهلوی، بانکهای خصوصی حدود ۲۰ برابر سرمایه پرداخت شده خود را صرف خرید سهام صنایع و شرکتها ساخته اند. این اقدام سرمایه بانکی و صنعتی مبین رشد گرایشی انحصاری در سیستم سرمایه داری فاسد و وابسته رژیم گذشته است.

در اواخر دوره سلطنت نکیست بار پهلوی، صنایع کشور عموماً مایل از رزق دارائی های خود به سیستم بانکی بدهکار بودند و صاحبان صنایع، که اینک در بانکها نیز شریک بودند، با هزاران دوز و کلک اقدام به خروج سرمایه صنعتی خود از کشور و سپردن آنها نزد بانکهای آمریکائی و سوئیسی و غیره نمودند. از سوی دیگر، بانکهای خصوصی نیز بنوبه خود از طریق اخذ وام و اعتبار از بانک مرکزی ایران و استقراض از بانکهای خارجی، سرمایه های خود را بصورت ارز از کشور خارج ساختند، بطوریکه در پایان سال ۱۳۵۶، نسبت بدهی به دارائی بانکهای خصوصی بطور متوسط حدود ۹۵ درصد بالغ گردید. بنابراین بانکهای خصوصی، که حدود ۳۰ الی ۳۵ درصد فعالیتهای بانکی کشور را تحت کنترل داشتند، با مشارکت بانکهای دولتی نسبتاً موجب تشدید وابستگی اقتصادی کشورمان به آمریکاییس جهانی و رشد نااهنجار بخشهای خدماتی و غیرتولیدی به ضرر صنایع و کشاورزی کشورمان شدند، بلکه با فراهم کردن تسهیلات غارت ثروت خلق ایران، باعث فرار سرمایه و ارز از کشور نیز شدند.

غارت بی حد و حصر و فرار سرمایه های صنعتی و بانکی توسط انحصارات آمریکاییستی، در بار پهلوی و سرمایه داران وابسته، موجب شد که نظام بانکی ایران، در آستانه پیروزی انقلاب، بکلی از هم بپاشد. انتقال سرمایه و اموال سرمایه داران بزرگ و درباریان و هجوم مردم برای استرداد سپرده های خود از بانکها و عدم بازگشت پول به بانکها، رکود و تعطیل فعالیتهای اقتصادی ناشی از انحصارات و بحران اقتصادی باعث گردید که اغلب بانکهای خصوصی ورشکسته شوند و یا در آستانه ورشکستگی قرار گیرند، بطوریکه برخی از بانکها قادر به بازپرداخت مبالغ جزئی سپرده های مردم نیز نبودند.

بر خورد دولت موقت با بانکهای ورشکسته و ملی کردن آنها

پس از پیروزی انقلاب، خلق ستمدیده کشورمان، با توجه به اینکه موجودی برخی بانکها تقریباً بی هیچ عنوان جوابگوی سپرده های مردم نبودند، و عبارت دیگر،

در رژیم سرسپرده پهلوی بانکها و سایر مؤسسات اعتباری، که نقش عمده و حساسی در اقتصاد دارند، تحت نفوذ و کنترل آمریکاییس بودند. سرمایه های مالی آمریکاییستی در ایران طی ۲۵ سال سلطه رژیم کودتا، از طریق نفوذ و مشارکت در شبکه بانکی و نیز از طریق سرمایه گذاری در صنایع و مونتاز توانستند تقریباً غالب صنایع، تولید و توزیع کالا و خدمات کشور را تحت سیطره خود در آورند. مثال بارز و بدیهی این اعمال نفوذ، از دیاد بیرویه شمش و تعداد بانکها در سراسر کشور بود. طبق آخرین آمار موجود از ۲۸۱ بانک خصوصی، ۱۴ بانک دارای سرمایه های مختلف بوده و سهم بانکهای خارجی در کل سرمایه بانکهای خصوصی ۱۲ درصد بوده است.

در رژیم سابق، بانکها بجای کمک به امور تولیدی و صادراتی، با شرکت در معاملات کلان بورس بازی، بخصوص بورس بازی بر روی زمین ساختمان، و اعطای اعتبارات غیرتولیدی به سرمایه داران وابسته، نقش بسیار مخرب در تمیق وابستگی اقتصادی کشورمان به انحصارات آمریکاییستی بازی کردند. بطور مشخص میتوان ذکر کرد که یکی از دلایل تاسیس بانک عمران، بورس بازی بر روی زمین ساختمان و افزایش مصنوعی قیمت زمین ساختمان جهت غارت هر چه بیشتر دربار پهلوی بود. از جمله غارتها دیگر تسهیلات مخرب بانکها، بخصوص بانکهای خصوصی، تشدید فقر، ورشکسته کردن صنایع کوچک، ملغ ورشکسته کردن کشاورزی، سوز دادن سرمایه ها و پس اندازهای ملی بسمت فعالیت های غیرتولیدی و گسترش فاسد لابی های بود.

ضرورت ملی کردن بانکها

دلایل عمده ای که کشورهای از بسند رسته را وامی دارد تا اقدام به ملی کردن بانکها نمایند، قطع وابستگی اقتصادی از آمریکاییس جهانی، سلب مالکیت از سرمایه داران بزرگ وابسته و سوق دادن فعالیتها و خدمات شبکه بانکی در جهت رشد اقتصادی، خودکفائی و سایر اهداف خلقی است. علاوه بر این دلایل، چون سرمایه های بانکی در ایران با سرمایه های صنعتی درهم آمیخته بود، لذا ملی کردن صنایع بزرگ وابسته، بدون ملی کردن بانکها، منجرش نخواهد بود. عبارت دیگر، کنترل اقتصاد کشور تنها با ملی کردن صنایع بزرگ وابسته امکان پذیر نیست، بلکه تحقق این امر نیاز به ملی کردن بانکها نیز دارد.

همانطوریکه قبلاً ذکر شد، در سالهای اخیر شبکه بانکی کشورمان تنها از طریق ایجاد شعب متعدد، بلکه بوسیله نیازهای اجتناب و تنها دینی کسب سود حداکثر، در جهت مطامع آمریکاییس و طبقه اتمک صفت سرمایه داران وابسته، رشد بیسازگانه ای کرده بود. بدلیل بائین بودن میزان سود در صنایع غیروابسته و کشاورزی، که بطور عمده ناشی از سدیست رژیم گذشته با این بخش از اقتصاد ملی کشورمان بود، بانک های

گرایشهای مثبت و نو

مابه این گرایشهای مثبت و نو، تهنیت می گوئیم

در «کار»

اما واقعیات تلخ و ناگوار بی از اینگونه حرکات «کامپاک» در مقابله با گرایشهای انحرافی، پیشی گرفته است. در طیف هواداران چریکهای فدائی، در واقع هم اکنون میتوان، معجونی از نیروهای متضاد، نظریات متناقض و گرایشهای انحرافی در کنار نظریات مثبت، مشاهده کرد. روشی که تاکنون در قبال این طیف ناهمگون در پیش گرفته شده است، یعنی حفظ ارضاء کلیه این نیروها، همانگونه که اکنون نیز روشن شده است، برای همیشه ممکن نیست.

داعه این روش هر چند ممکن است برای مدتی بسود حفظ «کسی» هواداران این سازمان، عمل کند، ولی هر روز پیش از روز قیل به فدیبه کردن و تهی نمودن کیفیت انقلابی، منجر میشود. عناصر صادق که از خط مشی ناپیکر ضد امپریالیستی-ک خودناشی از بر این نظریات متناقض است - به تنگ آمده اند، راه خود را جدا میکنند و بجای آنها عناصر لیسیرال، همانهایی که از مارکسیسم نفرت دارند، ولی «مارکسیستهای مستقل» را میسازند، میسازند. کسانیکه به چریک های فدائی خلق و حرکات آن، نه برای وارد کردن ضربه ای به امپریالیستی و یاری دهنده جبهه ضد امپریالیستی جامعه، بلکه بعنوان دستاویزی برای بر آشفته نمودن اوضاع، دامن زدن به تحریکات و تشنیف رهبری ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب، امید بسته اند.

این خطری جدی و بسیار جدیست که باید هر چه زودتر درک شود. در کردستان هم اکنون کسانیکه خود را هوادار چریکهای فدائی می نامند، به مذاکرات صلح در کردستان، نه در جهت تحکیم وحدت ضد امپریالیستی خلقهای ایران و تامین حقوق حق خلق کرد، بلکه از زاویه منافع گروهی خود برخورد می کنند، امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی را در پشت سر خود، در انتظار فرصت برای برپا کردن جنک برادر کشی دیگر نمی بینند و با برخورد غیر متعهدانه، غیر دلسوزانه و بدبینانه به مذاکرات صلح، بر دشواریهای موجود بر سر راه پیشرفت مذاکرات می افزایند. امری که بی تردید بسود انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی کشور ما نیست.

یک جبهه کوچک در رزم راستین

و اداران نظریات ما تئوئیستی «یا گروه اشراف دهقانی»، «هواداران خط ۴» و یا «راه فدائی»، در میان

چریکهای فدائی بخش کوچکی را تشکیل نمیدهند. ایاتان نه فقط با خرابکاریها و توطئه گرایی و نظریات انحرافی خویش به انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی کشور مازیان میزنند، بلکه همچنین چریکهای فدائی را نیز به انحرافات خویش می آلتند. آنها نه فقط مبارزات کارگران بیکار را به انحراف میکشاند، بلکه در تمام عرصه های دیگر مبارزه نیز تلاش مخرب خویش را برای لطمه زدن به جبهه رزم ضد امپریالیستی خلق ادامه میدهند. عواقب اعمال آنها بیشک تازمانیکه چریکهای فدائی از موضع ارضاء کننده همه قطب های متضاد، دست نشسته و قاطعانه چشم در چشم کاستیها و اشتباهات خویش ندوخته اند، دامنگیر خود آنان نیز خواهد شد.

«مقاله کار»، ۲۷، گشودن جبهه کوچکی در این رزم راستین اس

که رهبری انقلاب و توده های مردم، امپریالیسم آمریکا را هدف قرار داده اند. مبارزه در جبهه ضد سرمایه داران وابسته و زمینداران بزرگ نیز به پیش رفته و هر گاه که جبهه اصلی نیروی فدائی شده، تحریکات و توطئه ها بالا گرفته و نسام امپریالیسم آمریکا نیز از صحنه خارج شده است. در ماه اخیر که مبارزه ضد امپریالیستی اوج تازه و بی سابقه ای یافته و هر روز ضربات محکم تری بر پیکر سیطره امپریالیستی در کشور ما وارد میشود، در پرتو این مبارزه، جبهه نبرد علیه زمینداران بزرگ و بسود حل مساله دهقانی، علیه بورژوازی لیبرال و بسود دمکراسی انقلابی نیز اوج تازه ای یافته است.

این حقیقتی اثبات شده است که تحریکات ضد انقلابی در گوشه و کنار کشور، با اوقات تحت پوشش «انقلابی» صورت می پذیرد، ولی از منشا می جزم امپریالیسم آمریکا کارگران ایران آن بر نمی خیزد. اسناد افشاشده در لانه جاسوسی آمریکا در تهران بصحت این حکم گواهی میدهد. به همین دلیل، چریکهای فدائی، اگر واقعا به اظهارات مستدرج «در کار» ۳۷ معتقدند، نمی باید تنها به مساله بسیار محدود «اشکال مبارزه کارگران بیکار»، بسنده کنند و در واقع با این برخورد، از پذیرش اصول و مبادی مطرحه در مقاله فوق بگریزند.

چریکهای فدائی در دوران پس از انقلاب، روشی متضاد با اصول فوق در پیش گرفتند. آنها دعوای بسیاری «ضرورت پیوند خاص» مبارزات خود را با مبارزه ضد امپریالیستی درک نکردند و از «مبارزه سیاسی ضد امپریالیستی» بدور افتادند. آنها بواسطه عدم تشخیص دامها و تحریکات ضد انقلاب، «بدبینی» توده های وسیع سرکت کننده در جنبش ضد امپریالیستی و خلقی را نسبت به خود «دام زدن» و «ماهیت دوگانه و نوسانی خرد بورژوازی» را به فراموشی سپردند، با اعمال خود «توان جنبش ضد امپریالیستی را پراکندند» و نا آگاهانه «به نمایندگان گوناگون بورژوازی سوده رساندند».

نهاد در کردستان و ترکمن صحرا به ادعای گروههای ضد انقلابی و معن امپریالیسم در مبارزه برای «حقوق خلقها» و راهی که

آنها پیشنهاد میکردند، باور کردند، نظرمندی توده های وسیع سرکت کننده در جنبش ضد امپریالیستی را نسبت به خود باعث شدند و در دام تحریکات ضد انقلاب گرفتار شدند. آنها پس از انقلاب، بدون توجه باینکه هنوز مبارزه برای استقرار قدرت سیاسی نیروهای ضد امپریالیستی پایان نیافته و هنوز پاسخ به پرسش «که برک غلبه می کند؟» روشن نشده است، بجای یاری «فعال و نامحدود» از جناح ضد امپریالیست و دمکرات شریک در قدرت، همرا در یک سوال ریختند، از «حیث حاکم» مرتجع، و نیز از «شکست انقلاب، سخن گفتند و با تحریم فرانسدم جمهوری اسلامی و فرانسدم قانون اساسی، بجای کوشش برای پایان بردن آگاهی توده ها، بدبینی آنان را نسبت به خود برانگیختند.

مقاله مستدرج در «کار» شماره ۳۷، پرتوی امیدبخش در میان تریگی تناقضات و اشتباهات کارهای پیشین است، ولی «کار» با پرداختن به زمینه کوچک و ناچیزی از عرصه مبارزه طوفانی طبقه کارگران، ارج تحلیل های خود را کاشتن میدهد و راه را بر برداشتهای متعارف و نادرست در زمینه های دیگر، بازمی گذارد.

«کار» که در مورد بیان موقعیت کنونی جنبش انقلابی کشور ما، استدلال و اصول صحیحی را مطرح ساخته، بجای تعمیم این نتایج، زبان در کامی کند، از نتیجه گیری مشخص ناشی از انطباق این اصول بر عرصه های گوناگون مبارزه، خودداری می کند و با ناپیکری، در پای مساله کوچکی چون مبارزات کارگران بیکار متوقف میشود.

مقاله «کار» در واقع واکنشی مثبت نسبت به گرایشهای انحرافی موجود در نظریات بخشی از هواداران چریکهای فدائی خلق است، که تا بحال نتایج ناگواری، هم برای جنبش ضد امپریالیستی و انقلابی و هم برای چریکهای فدائی به بار آورده است. ولی موضوعی «کار» در مقاله مورد بحث، بدلیل عدم قاطعیت در هموردی جدی با این گرایشها، ناکام میماند و گره عمده ای از معضلات موجود در نظریات هواداران این جریان نمی کشاید.

به امری حساس و فوری بدل شده است، پس چرا این «پیوند حساس و فوری» و این «حمایت» را در چارچوب بسیار محدود مبارزه کارگران بیکار محبوس می کنیم؟

نویسنده مقاله که بدستی خصایص اساسی قشر کارگران بیکار را بر شمرده و آنرا قشری که «درک ضعیفی از مسائل سیاسی و تشکل» داشته و «تحت فشار شدید زندگی»، به «مر اقدامی که بنا به درک خود درست تشخیص میدهد، دست مینهد»، توصیف کرده، و بدستی نتیجه گرفته است که «بهین دلیل همه حرکات این قشر مورد سوء استفاده مائوئیستها قرار گرفته، به انحراف کشیده شده و بسود نمایندگان گوناگون بورژوازی، تمام میشود، متاسفانه به وظایف طبقه کارگر اصولا نمی پردازد و از کنار آن میگذرد».

اما اگر ما، برخلاف نویسنده، نخواهیم این اندیشه صحیح، ولی گسته را رهانیم و بکوشیم تا فرجام منطقی این استدلال را در مورد کلیه مسائل جنبش ضد امپریالیستی و خلقی کشورمان بدست آوریم، به نتایجی متضاد با نحوه عمل و تفکر چریکهای فدائی خلق، دست می یابیم.

در مقاله گفته شده است که اینگونه اقدامات (مبارزات انحرافی کارگران بیکار)، «بدبینی توده خرد بورژوازی و توده کارگران را دامن مینماید».

این حقیقت سترگی است، زیرا در واقع، توده کارگران برخلاف قشر کارگران بیکار که «درک ضعیفی از مسائل سیاسی و تشکل» دارد و با تحریکات مائوئیستها «به هر سویی» کشانده میشود، ضرورت «حساس و فوری»، «پیوند مبارزه» خویش را با «مبارزه سیاسی ضد امپریالیستی جاری» دریافت، به ضرورت «یاری فعال و نامحدود» از مبارزات ضد امپریالیستی و خلقی «توده های خرد بورژوازی و جناح سیاسی آن در حاکمیت» آگاه است و با تمام قوای خود و با تحمل سختیها و دشواریهای بسیار، در تمام مراحل مبارزه با امپریالیسم و دست نشاندگانش، در صف اول نبرد قرار گرفته، بیست از همه در این مبارزه سترگ شهید داده و علیرغم تغییرات ملموس بسیار ناچیزی که از پس انقلاب در زندگی پدید آمده، پشتیبان وفادار خط امام خمینی و مبارزات ضد امپریالیستی و خلقی رهبری انقلاب باقی مانده است.

طبقه کارگر، جبهه اصلی نبرد را بدستی می شناسد و تمیق انقلاب و تقویت جبهه ضد امپریالیستی و خلقی آن را در دیربازی در این جبهه میداند. این روش پسندیده است که بسک نیروی انقلابی به قشر نا آگاه کارگران بیکار، توصیه کند که اندام فریب ضد انقلاب و تحریکات او دوری چون و چه پشتیبانی از انقلاب بپردازد، و بسک قبال سکوت این نیروی انقلابی در قبال مساله ای برارتاب «حساس»، تر، چون موضع طبقه کارگر در انقلاب، چه توجیهی وجود دارد؟ آیا یک نیروی انقلابی، که خود را پیشاهنگ طبقه کارگر نیز می نامد، موظف نیست که توده های کارگر را از همین تحریکات، کارشکنیها و خرابکاریهای ضد انقلاب در امر اتحاد و پشتیبانی از مبارزات ضد امپریالیستی و خلقی رهبری انقلاب، بر خردارد، با شجاعت و قاطعیت به او هشدار دهد، جبهه اصلی نبرد را به او بنمایاند و وی را به فداکاری در این راه سترگ رهنمون شود؟

پیشاهنگ، باید به طبقه توضیح دهد که در شرایطی که جبهه امپریالیسم جهانی، برای خفه کردن انقلاب ایران، به محاصره اقتصادی دست مینمزد تهدید نظامی میکند و در شرایطی که مبارزه خلقی تر میشود، طبقه موظف است که پیوند صحیحی مابین مبارزات اقتصادی خویش و «مبارزات عمومی ضد امپریالیستی» ایجاد کند، تحریکات ضد انقلاب و سرمایه داران بزرگ را در داخل دامن تولید، عقیم گذارد، از اعتصاب و تحصن و راه پیمایی، حتی المقدور بپرهیزد و محاری و اشکال دیگری برای طرح خواسته های بحق خویش برگزیند.

اقبیت آنستکه، همانگونه که حوادث اخیر بخوبی نشان داده، تعمیق خصلت خلقی و دمکراتیک انقلاب، جز از کانال تعمیق خصلت ضد امپریالیستی آن گذر نمی کند. در ۱۰ ماهی که از انقلاب بزرگ ایران میگذرد، هر گاه

هواداران نظریات مائوئیستی یا گروه اشراف دهقانی نه فقط با خرابکاریها و نظریات انحرافی خویش به انقلاب زیان میزنند، بلکه همچنین چریکهای فدائی را نیز به انحرافات خویش می آلتیند.

رشریه «کار»، شماره ۳۷، مورخ ۲۱ آذرماه، مطلبی تحت عنوان «اکنون مائوئیسم و آنارشیزم در حرف با هم دشمن اند، ولی در عمل دست همدیگر را می فشارند»، به چاپ رسیده است، که بیانگر گرایشهای مثبت و نوینی در تفکر سازمان چریکهای فدائی خلق است. مثبت است، زیرا که نویسنده در این مقاله کوشیده است به عمده ترین جنبه انقلاب ما، یعنی جنبه ضد امپریالیستی آن تاکید جدی بنهد و هر چند بطور ناپیکر، ولی به میزان اهمیت، به نقش و جای ویژه این وجه از انقلاب ما در مجموعه و جوه آن، نزدیک شود. نوین است، زیرا چنین برداشتی، با صراحتی که در طرح سخنان بچشم میخورد، در نظریات چریکهای فدائی تازگی دارد و مقاله بطور نسبی، فارغ از تناقضات موجود در نظریات چریکهای فدائی است. ما به این گرایشهای مثبت و نو، تهنیت میگوئیم.

یالیستی پراکنده شده و از این امر جز نمایندگان گوناگون بورژوازی سود نمی برند» (همه جا تکیه آزماست)

در سخنانی است درست و منطقی؛ ولی اینکت نویسنده تا به پایان در سیر منطقی نظریات خویش میندیشد و طریقت تعمیم پذیری این استدلال را در نظر میگردد و آنرا تا به پایان بسط میدهد. براسی اگر نقطه قوت مقاله فوق را تا یک بروی جنبه ضد امپریالیستی انقلاب و درک نسبی جای واقعی آن بدانیم، نقطه ضعف آنرا نیز باید در همین امر، یعنی عدم درک کامل ویژگی اساسی و عدم برخورد فعال و شجاعانه با آن جستجو کرد. نویسنده مقاله از مبادی و اصول صحیحی که مطرح میسازد، به استنتاجات بسیار محدودی دست می یابد. او خواننده «کار» را با طرح نظریات عمومی به عرصه رزم انقلابی میکشاند و عامترین و اساسی ترین مسائل انقلاب را در پیش روی او قرار میدهد، ولی سرانجام وی را در چارچوب محدود کارگران بیکار و مسائل خاص آنان محبوس می کند. او راه کنار چشمه میکشاند و تشنه باز می گرداند. بهین دلیل است که خواننده ای که در عمق سخنان و استدلال «کار» اندیشیده است، در پایان بی اختیار خواهد پرسید، چرا فقط کارگران بیکار؟ سوالی که در مقابلش پاسخی قرار داده نمیشود.

نویسنده، مساله مبارزات کارگران بیکار را بدستی در پرتو مبارزات عمومی انقلابی بررسی کرده است. او تحصن و راه پیمایی اشکال مبارزه این قشر سترگ «زیر فشار شدید زندگی»، بس می برد و «درک ضعیفی از مسائل سیاسی و ضرورت تشکل» دارد، توسط مائوئیستها و گروه اشراف دهقانی «منحرف شده» میداند. زیرا این اشکال «صرف نظر از جو عمومی مبارزات سیاسی جامعه» و فارغ از «جو عمومی ضد امپریالیستی سراسر کشور» برگزیده شده اند. او معتقد است که مبارزه کارگران بیکار باید در پیوند با «مبارزه ضد امپریالیستی توده» انتخاب شود و این اشکال (تحصن و راه پیمایی) «کارگران بیکار را ... از مبارزه سیاسی ضد امپریالیستی جاری دور میکند و مهمی از آن در زمانی که توده های خرد بورژوازی و جناح سیاسی آن در حاکمیت، در مبارزه با امپریالیسم آمریکا و بورژوازی وابسته به لیبرالها درگیر است، و بطور طبیعی انتظار یاری فعال و نامحدود پرولتاریا را در این نبرد داده و (باید) «از این مبارزه ضد امپریالیستی حمایت (کرد) ... توان جنبش ضد امپریالیستی را پراکند» (می کند) و «بسود نمایندگان گوناگون بورژوازی، تمام میشود».

نا بر این، اکنون این پرسش بجا مطرح میشود، اگر «کارگران و نمایندگان سیاسی آنها»، موظفند در زمانیکه «توده های خرد بورژوازی و جناح سیاسی آن در حاکمیت، در مبارزه با امپریالیسم آمریکا و بورژوازی وابسته به لیبرالها درگیر است و بطور طبیعی انتظار یاری فعال و نامحدود پرولتاریا را در این نبرد دارد، و وظیفه کارگران و نمایندگان سیاسی آنهاست که از این مبارزه ضد امپریالیستی حمایت کنند... (در غیر این صورت) توان جنبش ضد امپریالیستی

ناله درباره چگونگی پیوند مبارزات کارگران بیکار با مبارزه ضد امپریالیستی نوشته شده است و نویسنده میکوشد اثبات کند، راهی که مائوئیستها (در مقاله «بیکار» و «خط ۳») و نیز بیکار می نهند، راهی انحرافی است که به مبارزه ضد امپریالیستی زیان مینمزد. او ابتدا اشکال عمده «مبارزه» کارگران بیکار را بر می شمارد و می نویسد:

(ز جهت کشان بیکار) برای کستن از فشار زندگی و به دنبال یافتن کار به هر سویی میروند و به هر اقدامی که بنا به درک خود درست تشخیص میدهند، دست مینمزد. ولی همانطور که بعد از قیام دیده ایم، اشکال عمده مبارزه آنان تحصن و راه پیمایی بوده.

نویسنده مقاله سپس خصوصیات کارگران بیکار را بر می شمارد و چگونگی بهره برداری مائوئیستها و «گروه اشراف دهقانی» را از این ویژگیها توضیح میدهد:

«اگر توجه کنیم که کارگران بیکار زیادی وجود دارند که مجبورند بناچار زندگی خویش را تواما در کار مزدوری کردن و دستفروشی و کار روی زمین بگذرانند، اگر به این خصوصیات فشار شدید زندگی و درک ضعیف آنان را از مسائل سیاسی و ضرورت تشکل را بیغزاییم، متوجه خواهیم شد چگونه همه شرایط مناسب فراهم میشود تا حرکات کارگران بیکار تحت تاثیر

انحرافات سیاسی-ایدئولوژیک گروههای نظیر بیکار و ما ناهم و گروه اشراف دهقانی، به انحراف کشیده شود».

اما چرا نویسنده مقاله «کار»، «تحصن و راه پیمایی» کارگران بیکار را، که مائوئیستها و «گروه اشراف دهقانی» آنرا بسیار دلپسند می یابند، نادرست و انحرافی، میدانند؟ او خود می افزاید، «چپانندیشان طرفدار اشراف... و بیکار... حاضر بودند صرف نظر از آنکه جو عمومی مبارزاتی جامعه در چه جهتی سیر کند، کارگران را به تحصن بی موقع و طولانی مدت بکشاند» (ص ۳)

و «در دو این گروه موفق شدند که کارگران بیکار را در آن مقطع از مسازره سیاسی ضد امپریالیستی جاری دور کرده و بیکانگی کارگران بیکار را از سیاست پر دوام تر سازند».

«این زبان تنها باین خاطر نیست که کارگران از صحنه مبارزه سیاسی دور نگذاشته میشوند، همچنین به خاطر این نیز می باشد که بدبینی توده خرد بورژوازی و توده کارگران دامن زده و در نتیجه وحدت این متحد طبقه کارگر در مبارزه ضد امپریالیستی را مشکل تر میسازد».

خرده بسود و زاری بسنا بر ماهیت دو گانه و نوسانی خویش، همه شرایط لازم را داد که از مری اصلی مبارزه منحرف شود. زمانیکه توده های خرد بورژوازی و جناح سیاسی آن در حاکمیت، در مبارزه با امپریالیسم آمریکا و بسود و زاری وابسته به لیبرالها درگیر است و بطور طبیعی انتظار یاری فعال و نامحدود پرولتاریا را در این نبرد دارد، وظیفه کارگران و نمایندگان سیاسی آنهاست که از این مبارزه ضد امپریالیستی حمایت کنند... (در غیر این صورت) توان جنبش ضد امپریالیستی

اخبار دهقانی

دهقانی از گلدسته به مخالفان اصلاحات ارضی واقعی پاسخ میدهد

نامه زیرین به دفتر «مردم» رسیده است:

«آقای موسی سیف‌امیرحسینی قاضی دادگستری! شماری از کشاورزی ایران که تا امروز نداشتیم، غصه‌خورید. شما در اطلاعات چهارشنبه ۲۱ آذر، از مصاحبه معاون وزارت کشاورزی گله کرده بودید و تنها نبودید که از این مصاحبه ناراحت بودید. در خود وزارت کشاورزی هم از این «مدافعین دین اسلام» و حامیان «آرامش» کشور و «مخالفان» برهم ریختن کشاورزی زیاد بودند. شما گفته بودید که در این زمان که ما با آمریکای جانی درگیر هستیم، تقسیم اراضی و حتی گفتن آن هم صحیح نیست. مثل اینکه این یکی را خوب تشریح کرده‌اید، که مالکان با آمریکا دست به یکی هستند و نباید سربس آنها گذاشت.

گفته بودید که واحد کشاورزی، که کمترین به مسائل مکانیزه میباید و کار میکند، نمیشود آنرا خراب کرد و مثل توپ پارچه تکه تکه کرد. آقای عزیز، واحد کشاورزی مجبوری در تمام ایران انگشت شمار است و تازه این چند واحد هم بیشتر صاحبان زردش فرار کرده‌اند. آقای اسفندی چند هزار ده خرابی را که گفته بودند که مالکین خونخوار برای بیرون کردن دهقانان آنها را ویران کرده‌اند. نمونه‌ای از آنها را برای شما یادآور می‌شوم. دهی که نام میرم گلدسته، اطراف جاده سوله است. قبل از کودتای ۲۸ مرداد، در این ده ۸۰ خانوار کشاورز و باغدار به کار کشاورزی مشغول بودند. محصول آنها در سال دوازده هزار گندم و جو و میلیونها تومان محصول باغ میوه و صیفی بود، که از این درآمد، حاضر و آماده، ۴۰ درصد مالک میبرد. اما به مرور که زمین فروشی رواج یافت، مالک خواست دست دهقانان را از ده کوتاه کند. برای این منظور او دیگر قنات را لایروبی نکرد تا خشک شد و اینهمه کار و کشاورزی نابود شد. بعد از آن، مالک، که شما سدمه پور را به زبان اسلام میدانید، چند روز بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد، بجان دهقانان افتاد و با توسل بژاندارمری و فرمانداری نظامی و زندان و شکنجه دهقانان، دست آنها را از زمین کوتاه کرد و بسیاری از زمینهای کشاورزی را فروخت. میدانید درآمد این ده بزرگ در سالهای اخیر چه بوده است؟ در سال ۵۷ فقط ۲۰ خروار گندم درآمد چند صد هکتار زمین و چندین چاه عمیق میباید، یعنی یک سدم درآمد معمولی ده. میدانید چه کسانی برای این مالک کار میکنند؟ ۴ نفر می‌برند ۸۰ ساله! میدانید حقوق آنها چقدر میباشد؟ روزی ۲۰ تومان یا ۷-۸ سر عائله. میدانید آن دهقانان که قبلاً کشاورزی میکردند، حالا کجا هستند و چه میکنند؟ همین برقرار فروشان گوشه خیابان، چرخ دستی کسهای میدان که برای مردم بار میبرند و واسطه بدون تولید هستند. این را هم میدانید که تمام دهات اطراف تهران و جاهای دیگر ایران، که مالک بزرگ دارد، به همین درد مبتلا میشوند. بیائید ببینید، تا قبول کنید و برای کشاورزی آباد ایران غصه‌خورید.

و اما گفته بودید که تقسیم اراضی به اعتقاد مردم و مسلمانی آنها لطمه میزند و کار درستی نیست. آیا این درست است که یک پیر مرد ۸۰ ساله شبانه روز، زمستان سرما و تابستان گرما در بیابان، در برف و باران و در زیر آفتاب کار کند و بهره‌آرنا مالکان و غاصبان از هر قبیل - مهندس - دکتر - قاضی - تاجر و رباخوار بپرند؟

این مسلمانی است که آنها را که در شهر پست میزند نشسته اند و شب در بستر گرم خوابیده‌اند و ماهی ۲۰-۳۰ هزار تومان حقوق میگیرند، دست رفیع‌ترین را هم بپرند؟ این است مسلمانی که شما میترسید از این بروند؟

شما گفته بودید که اگر تقسیم اراضی بشود، کشاورزی منهدم میشود. این باور کردنی نیست که کسی برای خودش کار نکند و برای دیگری کار کند و دلپسوزاند. شما گفته بودید که آقای اسفندی چرا از مال مردم مایه میکند. آیا شما میدانید که این مالها از کجا آمده است؟ از زمین، از اجرت، از شلاق، از گرسنگی دیگران، از برهنگی دهقانان، از سوختن و ساختن مردم اطراف شما.

سید حسن خلیلی

ضد انقلاب صنعت نفت را هدف گرفته است

افراد مشکوک رفیق توده‌ای را مجروح کردند

این انفجارها بر طبق يك نقشه دقیق خرابکارانه عمل می‌شد. در حالیکه دهها چاه نفت در اهواز وجود دارد و شبکه عظیمی از خطوط لوله، نفت این چاهها را به واحدهای بهره‌برداري منتقل می‌سازد، انتخاب دقیق، حساب شده و هدفمند دوله ۸ اینجی چاههای شماره ۲۰ و شماره ۳۰ اهواز، که از بهترین چاههای نفت بزرگ و اولی - ۴۰۰۰۰ بشکه و دومی ۲۵ هزار بشکه نفت در روز تولید میکند، بیانگر این حقیقت است که عاملین انفجارها درباره نقش و اهمیت یکایک لوله‌ها اطلاعات کافی در اختیار دارند.

دستیابی به این اطلاعات از دو طریق امکان دارد: راه اول اینست که عاملین این انفجارها خود در شرکت نفت شاغل باشند. دوم اینکه عاملین انفجارها با افراد خیانت‌پیشه در شرکت نفت تماس داشته باشند و اطلاعات خود را از آنها دریافت دارند.

در هر دو صورت کاملاً روشن است که عاملین انفجارها، که بدون تردید از یازمانندگان رژیم سابق، اعضای ساواک منحل، و جیره‌خواران امپریالیسم آمریکا هستند، کاملاً آگاهانه عمل می‌کنند و هدف‌مندی دارند. هدفی پلید و شیطانی، که محتوای آن از کارانداختن چرخهای عظیم صنعت نفت و محروم ساختن ایران انقلابی از بزرگترین منبع درآمد آن و با اعمال تشکیف اعتبار رهبری انقلاب در میان توده‌های زحمتکش است.

باید از تحقق این هدف تبهکارانه جلوگیری کرد و نقشه‌های خائنانه امپریالیسم و مزدورانش را نقش بر آب ساخت. باید با اقدامات قاطع و انقلابی امکانات امپریالیسم آمریکا را برای توطئه و خرابکاری در صنعت نفت از میان برد. انشای نام عناصر وابسته به ساواک در شرکت ملی نفت ایران و طرد بیدرنگ آنها و تمامی وابستگان ضدانقلابی رژیم سابق، یکی از شمارهای مهم حزب توده ایران منظور پاکسازی شرکت ملی نفت ایران بوده است. متأسفانه این وظیفه انقلابی که میتواند امکانات امپریالیسم را برای توطئه و خرابکاری به میزان قابل ملاحظه‌ای از میان بردارد، با وجود تلاش شورای اسلامی کارکنان صنعت نفت، به دلیل ساسمحه کاری و شاید کارشناسی پاره‌ای از مدیران شرکت نفت، تاکنون صورت نگرفته است.

افزایش نیروهای حفاظتی در صنعت نفت بدون تردید نقش مهمی در جلوگیری از عملیات خرابکارانه خواهد داشت. اما این کار بنظر ما بدون پاکسازی محیط شرکت نفت از وجود خرابکاران کاران داخلی به هیچوجه کافی نیست. باید از تمام راههای ممکن برای پیشگیری از انفجارها استفاده کرد. مقارن بودن انفجارهای اخیر با تشدید کارزار تبلیغاتی امپریالیسم جهانی و در رأس آن آمریکا بر علیه انقلاب ایران از یکسو و محاصره اقتصادی و اعزام ناهای جنگی آمریکا به خلیج فارس و دریای عمان از سوی دیگر، دلیل ملموسی بر این امر است که امپریالیسم و مخصوصاً امپریالیسم آمریکا، که تا امروز ضربات سنگینی از انقلاب ایران خورده است، میکوشد با تشدید فعالیت‌های خرابکارانه خود جمهوری جوان ما را در زیر فشار مشکلات خرد و نابود سازد.

ما توجه مقامات مسئول و بویژه شورای انقلاب را به این مسئله جلب میکنیم که موازات مقابله با سیاست‌های ددمنشانه و رازناخانه امپریالیسم آمریکا در سطح خارجی، مبارزه با سر - سردگان و جیره‌خواران امپریالیسم آمریکا را در عرصه داخلی نیز شدت بخشد. و در رابطه با این موضوع، صنعت نفت کشور را از گزند عملیات خرابکارانه مصون دارند.

• در يك ماه گذشته، ضدانقلاب ۷ لوله نفت را در نقاط حساس منفجر کرده است.

• بررسی وضع لوله‌های نفت منفجر شده نشان میدهد که منفجر کنندگان یا در صنعت نفت شاغل هستند یا با کسانی در این صنعت ارتباط نزدیک دارند.

انقلاب ضد امپریالیستی، که در بهمن ماه سال گذشته رژیم وابسته به امپریالیسم محمد رضا را به گور سپرد، با اشغال لانه جاسوسی آمریکا، به مرحله جدیدی گام نهاده است. انقلاب ما که می‌رود با ریشه کن کردن سلطه امپریالیسم، استقلال سیاسی و اقتصادی ایران را تأمین کند و برای میلیونها زحمتکش ستمدیده، دمکراسی خلقی را به ارمغان آورد، با خطر تازه‌ای روبرو است که از یک توطئه جدی ناشی میشود. توطئه‌ای که اگر به موقع دفع و خنثی نشود، میتواند ضربت جدی بر انقلاب وارد آورد. این توطئه که چیزی جز خرابکاری در صنعت نفت و از کار انداختن این صنعت بعنوان ستون فقرات اقتصاد ایران نیست، در شرایطی اجرا میشود که امپریالیسم آمریکا پولهای ایران را در بانک‌های خود ضبط کرده و به موازات محاصره اقتصادی، ناهای جنگی خود را بقصد تجاوز به ایران به منطقه خلیج فارس و دریای عمان اعزام داشته است.

طی یکماه اخیر، عمال امپریالیسم لوله‌های انتقال دهنده نفت را در نقاط مختلف خوزستان منفجر کرده و سبب اختلال و وقفه در فعالیت شبانه‌روزی واحدهای بهره‌برداري نفت شده‌اند.

در تاریخ ۱۶/۸/۵۸، يك لوله ۲۰ اینچی، که نفت خام را از منطقه‌ای به نام لپ سفید به واحد بهره‌برداري شماره ۲ اهواز منتقل می‌سازد، بر اثر انفجار بمبی که زیر آن کار گذاشته شده بود، بشدت آسیب دید.

در ۱۹/۸/۵۸، یعنی سه روز پس از این انفجار، در نتیجه يك انفجار دیگر، ۴ لوله ۱۰ اینچی و ۲ لوله ۱۲ اینچی، که به موازات هم نفت را از اهواز به پایايشگاه آبادان حمل میکنند، در اطراف محلی بنام دارخوین متلاشی شدند.

در ۲۵/۸/۵۸ و ۲۶/۸/۵۸، دوه لوله ۱۲ اینچی و ۱۸ اینچی، که نفت خام را از دهلران به چشمه خوش و از چشمه خوش به اهواز منتقل میکنند، منفجر شدند و از کار افتادند.

از تاریخ ۲۹/۸/۵۸ تا ۹/۹/۵۸، یعنی در مدت سه روز، در نتیجه سه انفجار متوالی، ۴ لوله منفجر گردید، که از این چهار لوله، دوتای آنها ۸ اینچی بوده و به چاههای شماره ۲۰ و ۵۷ اهواز تعلق دارند و یکی دیگر ۶ اینچی بوده و متعلق به چاه شماره ۳۰ اهواز است و چهارمی که يك لوله ۱۲ اینچی است، نفت خام را از مسجد سلیمان به هتکلک و نفت سفید به واحد بهره‌برداري شماره ۲ اهواز منتقل می‌سازد.

این انفجارها، که سبب آسیب دیدن دهها متر لوله و به هدر رفتن صدها بشکه نفت شده‌اند، علاوه بر وارد کردن زیان مالی، باعث از کار افتادن برخی از دستگاههای بهره‌برداري نیز گردیدند. تا جایی که مثلاً فعالیت واحدهای بهره‌برداري در دهلران، چشمه خوش، مسجد سلیمان و نفت سفید تا پایان عملیات تعمیراتی و ترمیم بر روی لوله‌های منفجر شده، عملاً قطع گردید.

بررسی جوانب مختلف این انفجارها نشان میدهد که عاملین

فئودالها در ترکمن صحرا، دهقانان را علیه یکدیگر تحریک میکنند

در ترکمن صحرا، فئودالها، که با رهنمودهای رهبر انقلاب، تصمیمات شورای انقلاب و تدابیر مسئولان جدید وزارت کشاورزی، موفقیت غارتگرانه و ضددهقانی خود را در خطر می‌بینند، میکوشند تا با آشفته کردن اوضاع و تحریک دهقانان علیه یکدیگر، مانع از اجرای آرام و مطمئن تصمیمات و تدابیر ضد فئودالی و بسود دهقانان گردند. آنها در میان یخشی از دهقانان شایعه می‌پراکنند که گویا جنگ نزدیک است و دهقانان دیگر نیز خود را علیه آنها مسلحانه آماده می‌کنند. این تحریکات از جمله در میان ترکمنهای مختوم و کوچک و نیز ترک آبادیهای ساکن حوالی گنبد صورت گرفته است.

یکی از این فئودالها، که زمینهایش را ترکمنهای مختوم و کوچک شخم زده و کاشته‌اند، ترک آبادیها را تحریک کرده که چون من نمی‌توانم زمینها را برای خود بگیری، چرا ترکمنها آنها را کشت کنند و چرا شما نمی‌روید آنها را برای خودتان بکارید؟

بزرگ مالکی را به نفع روستائیان کم زمین از بین ببرید

روستائیان تسوج کوار نزدیک شیراز می‌گویند: از حدود ۴۰۰۰ هکتار زمین این ناحیه که اکثر آن متعلق به شخصی بنام تیمسار زندگی بوده است. در زمان اصلاحات شاهانه فقط حدود ۱۰۰۰ هکتار زمین بین ۲۵۰ نفر با نفوسی نزدیک به ۴۰۰۰ نفر تقسیم شده است. و بیش از ۳ هزار هکتار از زمینها همچنان در اختیار مالک عمده آن یعنی زندگی باقی مانده است. روستائیان چنین بی‌تاسی را در مقدار زمین خود و مالک در شان انقلاب

نماینده «حزب جمهوری خلق مسلمان» در روستایی از مرند

از مرند به ما می‌نویسند: «در شرق مرند دهی است بنام «اردکلو»، که حدود پانصد خانوار جمعیت دارد. روحانی‌نمای در این ده است بنام حاج میر تقی‌عاشق، که بوی از روحانیت نبرده است. او حالا عضو و نماینده «حزب جمهوری خلق مسلمان» است که پست مهمی هم در بخش کشاورزی مرند دارد. این شخص در رژیم طاغوت کارش «یعنی بوس‌داری» بود که مسافران ده را به شهر می‌رساند. حالا با نهای سبب و میوه‌های دیگر دارد، کسه می‌گوید: «نمونه است» و ضمناً از خرید و فروش آب حاصل از یکجکاه موتوری عمیق پولهای کلانی میکوبد.

سومین شماره

دنیای منتشر شد

در این شماره:

- پیش بسوی جبهه متحد خلق.
- «اقتصاد اسلامی» از دیدگاه آیت‌الله سید محمود طالقانی.
- ضرورت تحول بنیادی در نظام پولی و ارزی کشور.
- شورای انقلاب در برابر وظایف بزرگ.
- برابری حقوق زنان و انقلاب بزرگ‌ها.
- بازرگانی خارجی ایران باید دگرگون شود.
- مطالبی دیگر...

فعالیت ساواکی ها برای بدنام کردن کمونیستها

عملیات خرابکارانه عوامل ساواک و امریکا زیر نام «کمونیسم» تازگی ندارد. شاید در هفته ها و ماهها اول بعد از پیروزی انقلاب، به علت عدم آشنائی مردم، حتی این ضدانقلابیون متصرف و عده ای از مردم ساده دل بنام آنها می افتادند. ولی حالا دیگر با افشاگریهایی که دانشجویان پیرو خط امام کرده اند و با پرونده هایی که در درون سفارت امریکا کشف شده، کمتر ایرانی انقلابی است که در این دام پوسیده بیفتد. بیفایده نیست آنرا در رابطه با جریان رفتارندوم قانون اساسی در زیربوتولید، رفیق توده ای ما که خود ناظر صحنه بوده، مینویسد:

مساعت حدود هرة بعد از ظهر روز اول اخذاری، جلوسینما ساترال، واقع در میدان انقلاب، جوانی بارش گندمی و عینکی آفتابی جزومای می فروخت دررد قانون اساسی و مرتب فریاد میزد: درساله ای دررد قانون اساسی.

موقمی نزدیکش شدم که مرد سمنی، پس از آنکه خطابش کرد: «برادر»، پرسید: «این جزوه مال کیست و ماجرایش چیست؟» مرد ریشو خوسرودانه پاسخ داد: «قیمتش ۱۵ ریال است. بخر و بخوان تا ببینی مال کیست.»

مرد سمن سوالاتش را بار دیگر اینطور مطرح کرد: «مقصودم اینست که مال کدام مرجع و آقائی است و چرا تاکنون مطبوعات و رادیو تلویزیون درباره آن چیزی نگفته اند و نوشته اند؟» جوان ریشو، که حالا غیر از من چند رهگذر دیگر هم دور او گردیده بودند، اینبار خوش راز به آن راه و برخلاف دفعه قبل صدایش را با این آورد و به آرامی گفت: «آقا من درست نمیدانم. من فقط فروشنده ام. بمن داده اند که بفروشم. بد و خویش به من مربوط نیست.»

بر تعداد جمعیت باز هم اضافه شده بود و جوان ریشو کاملاً دست و پایش را گم کرده بود.

من گفتم: «باید بگوئی مال کیست؟» جوان ریشو شانه هایش را بالا انداخت و خواست از میان جمعیت راهی برای عبور بیابد کند، اما مجالش ندادم. یکی از جزوه ها را از دستش بیرون کشیدم و صفحه آخر آنرا باز کردم تا ببینم امضاء چه مرجعی را دارد. اما با کمال تعجب دیدم هیچ مرجع تقلیدی آنرا امضاء نکرده است. امضاء جزوه مربوط بوده «اتحادیه کمونیستها».

مرد سمن که هنوز در جمع بود، معطل نکرد و بقیه جوان ریشو را گرفت. جوان دیگری که در جمع بود، جزوه ها را از چنگ جوان ریشو درآورد و ریشو روی زمین. مردم میخواستند شعار ضد - کمونیستی بدهند و حتی چند نفری هم آنرا بر زبان آوردند، اما همان مرد سمن همه را خطاب قرار داد و گفت:

«اگر چنین شماری بدهید، او به مقصودش رسیده است. او دروغ میگوید، کمونیست نیست. حتی ساواکی است و میخواهد نفیست را منحرف کند و شعار مرگ بر امریکا را تبدیل کند به شعار مرگ بر کمونیست. والا قدیمیترین کمونیست های ایران که دورا بر سن ۱۹ ساله می توی این مملکت فعالیت میکنند، حتی خیلی زودتر از بعضی گروه های مذهبی اعلام کردند که به قانون اساسی رای مثبت میدهند. منظور توده ایهاست. همانهایی که این امریکائیها و ساواکیها هر روز جلو دانشگاه و سفارت امریکا و هر جا که بتوانند تبلیغ میکنند، آنها وابسته اند، خائن اند و فغان و فغانند، ولی در اصل بیشتر از همه اینها وطن پرست هستند و به انقلاب مردم اعتقاد دارند.»

جوان ریشو خواست دهان باز کند که حرف بزند، اما جمعیت مجالش نداد و با شعار مرگ بر ساواکی، مرگ بر امریکا بطرفش هجوم آوردند. اگر فرار را برقرار ترجیح نداده بود شاید شرب شست مردم را چشیده بود.

دخانیات رادر باید!

کارگران دخانیات تنها با شکل خود می توانند ضد انقلاب را مهار کنند

کارخانه دخانیات وابسته به وزارت صنایع و معادن، پیش از انقلاب ۳۶ میلیون نخ سیگار ایرانی و ۱۰ میلیون نخ سیگار وینستون تولید می کرد. سیگار وینستون با همکاری شرکت امریکایی وینستون و با قرارداد پنجاه پنجاه تولید می شد. علاوه بر این مقدار، ۵۰ میلیون نخ سیگار دیگر نیز از خارج وارد می شد که توزیع آن بعهده شرکت شهبور بود و این شرکت از هر دو پاکت سیگار وارده پلکریال سود می برد.

تهران خیلی دور است. آنقدر که گاه با عمر یک انسان مسافه میگذارد. بواقع هم در بندر جاسک پیرمردانی هستند که خود را به گورستان شهر نزدیکتر از تهران احساس میکنند. برای بسیاری از آنها بندر عباس مرکز ایران له، بلکه مرکز جهان است. فقر، محرومیت و رستم در هر وجه خاک احساس میشود. بدلیل نمونه و مثال نگردید. همه زندگی در بندر جاسک نمونه است. اما اگر میخواهید بدانید، حرفی نیست.

برنج، تشریفاتی ترین غذایی است که ممکن است سالی یکبار به خانه های زحمتکش راه یابد. آب آشامیدنی آکسیریت است که باید از هر قطره اش محافظت کرد. داشتن راه ارتباطی مطمئن، آرزوی است که مردان و زنان بسیاری آنرا بخود به گور برده اند. پزشک ایرانی، اگر در بندر جاسک بند شود و احتیاج بر باین بیمار برود، بزرگترین شخصیت تاریخ است و دارو، اگر پیدا شود، گرانبهارترین هدیه آفرینش برای بیماری است که در انتظار رسیدن دارویش از بندر عباس و یا تهران هفته شماری میکند. جاسک یکی از فقیرترین نقاط ایران است. مانند دهها وسدها شیر کوچک و بزرگ لاریان، رژیم شاه مخلوع مردم آنرا از همه مواهب زندگی محروم نگه داشته و هر بانک اغراضی را با کلوله باسج داده بود. در عوض یادگانه و مراکز نظامی یکی بعد از دیگری، بفاصله های نه چندان زیاد، با اسکات های رفاهی برای افرایش از زمین روئیده اند.

این وضع نکبت بار بعد از سقوط رژیم غارتگر وطن فروش پهلوی نیز متأسفانه ادامه یافته است. دولت موقت توجیبی باین منطقه نکرده است. حتی برای مردم این بندر توضیح هم نداده اند که این نوسازی کشور یعنی چه وجه پر نامه ای برای همه ایران و از جمله جاسک وجود دارد. از همین فضای مسموم، که نابوری در آن رسوخ پیدا کرده است، ضد انقلاب جدا گس استفاده خود را این روزها میکنند و بیدر نفاق و ضدیت با انقلاب و رهبری آنرا میاشند تا در زمان لازم آنرا درو کنند. از جمله این تلاشهاست نوشتن شعار علیه رهبری انقلاب روی دیوارهای شهر!

در حالیکه آب و نان مسئله روز مردم این بندر است، دستبانی آگاه یا نا آگاه، به پنهان های مختلف، از جمله نداشتن تلفن و... مردم را به تعصن

تشویق میکنند و در همین گیر و دار ضد انقلاب بیروقه علیه انقلاب سمیاشی میکند و تخم یاس در دل مردم میکارد. از آب کتیم، که حیاتی ترین مایحتاج روز مردم این بندر است. بگذاردید کوشه ای از آنرا برایتان ترسیم کنیم. ما در رابطه با خواست افراطی راه یافتن تلفن به خانه های شهر، که چه نماها به آن دامن میزنند، و آنرا وسیله تضعیف انقلاب قرار میدهند، بدانید که این خواست چقدر دوزخ واقیت است. آب شیرین در منطقه پیدا نمیشود، مگر در پایگاه نیروی هوایی، که فقط بر سنل این پایگاه حق استفاده از آنرا دارند. فقط دویاسه باغ بزرگ، که حدود ۲۰ تا ۱۵ کیلومتر از شهر فاصله دارند - علاوه بر پایگاه نیروی هوایی - آب شیرین دارند، که آنهم متعلق به خوانین و فئودالهای منطقه است و کسی جرأت نزدیک شدن به آنرا ندارد.

ضد انقلاب برای بندر جاسک تدارک می بیند

چند سال قبل لوله های قطور جهت آبرسانی به بندر جاسک و چند روستای اطراف آن در ۱۵ کیلومتری بندر تخلیه شد و قرار شد با استفاده از چاه عمیق آب به شهر برسانند. ولی لوله ها در حال پوسیدن است و از آب لوله کشی خبری نیست. همین محرومیت از آب و در عوض وجود آب شیرین در پایگاه نیروی هوایی، نهال خصمی را در دل مردم محروم بندر پلور کرده است، که امید است ضد - انقلاب از آن سوء استفاده نکند.

شهر و دهکده های اطراف آن از برق محرومند. فقط یک کابل از داخل پایگاه هوایی به قسمتی از شهر کشیده شده، که قدرت آن بسیار کم است. شهر ارتباط تلفنی ندارد و دانستی است که

تلگراف حدود یک هزار نفر از ساکنین شهر، که بایست ارسال شده، حدود ۷ روز در راه بوده است، البته از تهران! یک خط ارتباط تلفنی میکروویو نیروی هوایی در بعضی ساعات روز پایبند عباس برقرار میشود، که آنهم اغلب روزها خراب است. درباره زندگی مردم بندرست باز هم بدانید:

راه جاسک به میناب - شوشه درجه ۴۳ - در طول سال برای طغیان رودخانه ها چندبار بسته میشود. در تمام منطقه، که حدود ۳۷ هزار نفر جمعیت دارد (۱۲ هزار نفر در بندر جاسک و ۲۵ هزار نفر در حومه. این آمار دقیق نیست، زیرا ماموران سرشماری بدلیل بدی هوا وعدم تحمل آن قادر به سرشماری نشده اند) در این منطقه فقط دویزشک پاکستانی کار میکنند. غذای اصلی مردم ماهی است، که سیاهان میچورند آنرا در اختیار شیلات بگذارند و خود از بازار سیاه خرید کنند، که قیمت آن برای همه قابل تحمل نیست. برنج گرم زده پاکستانی که در منطقه مصرف میشود، از دویب وارد میشود و کیلومتری ۱۰ تومان به آنهایی که در رستخان به دهانشان میرسند و تعدادشان هم زیاد نیست، فروخته میشود.

این محرومیت باور نکردنی و عدم توجه کافی از طرف دولت بعد از پیروزی انقلاب از سویی، و از سویی دیگر مذهب مردم، که تسنن است، زمینه را برای ضد انقلاب فراهم کرده است، که با توجه به نزدیکی آن به دریا و خطری که از طریق آبهای جنوب ایران و انقلاب آنرا تهدید میکند، واقعا و عمیقاً قبل از آنکه به فاجعه ای جدید در ایران منجر شود، باید جدی گرفته شود.

در چنین فضای مسمومی، که حتی به جرات میتوان گفت بیش از ۹۰ درصد مردم حتی به شکل ظاهری تلفن راهم تاکنون ندیده اند و یا به آن فکر نکرده اند و همه تلاششان اینست که نان پخته شده از آرد هسته خرما را تبدیل به نان کنند، ضد انقلاب تلاش می کند از خواستهای به حق مردم، در جهت تضعیف رهبری انقلاب سوء استفاده کند، و از سوی دیگر عناصر تندرو و چپ نما برای دامن زدن به ناباوریهایی مردم و ناامید کردن آنها از دولت مرکزی و رهبری انقلاب، خواستهای را مطرح میکنند که گاه باعث خنده پیرمردان سالخورده و رنج کشیده های میشود که دلشان میخواهد در آخرین روزهای زندگی شان به چشم ببینند که انقلاب نان به سفره شان می آورد و عدالت را در شهرشان برقرار میکند.

ارگان های انقلاب و دولت باید جلو اعمال ضد انقلابی کارفرمایان را بگیرند

تأمیر در تعطیل کارخانه، کارگران قلمداد شوند، بمتون نمونه، یکی از آگاهان مسائل دیونسی کارخانه برادران لوانسی واقع در جاده آملی، که چندی پیش نیز گزارش از این کارخانه برای «مردم» فرستاده بود، وی پیر آن گزارش، که در «مردم» چاپ شد، بر ایمان مینویسد، «رفتار کارفرمای فلز کاری لوانسی به اندازه ای مطلبی پیرامون وضع این کارخانه در روزنامه مردم، با کارگران بدتر شده است. کارفرما بی وقفه در تلاش است تا در نوسینده آن گزارش را بپیدا کند. در جریان همین تلاش تا حالا

اما آیا کارفرمایان هم به آن عمل میکنند؟ آیا پدر زب خودد و رفتار آنها با کارگران از سوی ارگانهای انقلاب و دولت زیر نظر گرفته میشود تا از تحریک کارگران به منظور واداشتن آنها به اعتصاب جلوگیری بعمل آید؟

تحصن و اعتصاب کم کاری در کارخانه ها در حال حاضر بفتح ضد انقلاب و امریکای جهان خوار است. این نظر حزب توده ایران است و کارگران آگاه و میهن دوست نیز حقانیت این نظرها را پذیرفته اند.

آب بستند و میلیونها نخ سیگار را نابود کردند. با توجه به مصرف زیاد سیگار و در انحصار دولت بودن آن به سادگی می توان به عمق این دسیسه ها پی برد. حد متوسط سن استخدامی کارخانه دخانیات ۱۴ سال است و این امر وزن کارگران جوان و بی تجربه را در کارخانه زیادت از معمول کرده و باعث شده که در نحوه برخوردها و بدبالی کردن خواست های کارگران ناراضی هایی دیده شود. از جمله عدم پرداخت مابه التفاوت ۸ ماه حقوق کارکنان و حق عائله مندی آنها باعث شده که در امر تولید کم کاری شود و این ساله خود به مشکلات موجود افزوده است.

توزیع سیگار جستجو کرد. پس از کمیته ها مسئولیت توزیع به عهده شعبه های عمده فروشی واگذار شد. با این همه، نمایندگان توزیع بنحوی عمل میکنند که بیشترین سهم به محتکرین تعلق می گیرد و این ساله به نارضایتی شدید خرده فروشان از طرفی و نایابی سیگار و نایابمانی در این شاخه اقتصاد کشور منجر شده است. گفتم که کاهش تولید سیگار تا حدودی ناشی از وضع موجود در کارخانه دخانیات است. سندیکی پیشین کارخانه که نماینده اش عباس میز زانی وکیل مزدور مجلس شرفرود بود در جریان انقلاب منحل شد. پس از انقلاب کوشش هایی بعمل آمد تا سندیکی از نو سازمان داده شود. این تلاشها هنوز بجائی نرسیده است زیرا عناصر غیر صالحی هر بار جلسه مجمع عمومی را متشنج کردند و بدین وسیله میخواستند کنترل آنرا بدست گیرند. کارخانه ابتدا پاکسازی نشده است. جز این که در بدو انقلاب چند کارمند که در وابستگی شان تردیدی نبود با گرفتن چهار ماه مرخصی با حقوق باز نشتند. از این جهت هنوز هم عناصر وابسته به ساواک و خرابکاران در کارخانه فعالیت می دارند.

رابطه نهضت آزادی با سفارت آمریکا فاش شد!

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام که در لانه جاسوسی امریکا مستقر هستند، در شب در یک افشاگری بسیار مهم که از شبکه سراسری صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران پخش شد، طی انتشار اسناد مهمی، از فعالیت خائنانه نهضت آزادی، برای حفظ منافع غارتگرانه امپریالیسم امریکا در ایران برده برداشته اند. انتشار این اسناد نشان میدهد که در دوران انقلاب، نهضت آزادی برخلاف خواست و مبارزات توده های انقلابی مردم و رهبری انقلاب، برای حفظ منافع سلطنت و قانون اساسی شاهنشاهی تلاش میکردند. در اسناد منتشر شده، نهضت آزادی از طریق امیر انتظام، اطلاعات مودرنیز امریالیسم امریکا را در اختیار جاسوسان «سیا» قرار میداد و برای تأمین منافع امریکا دست به توطئه میزد.

در یکی از اسناد دیگر از اسناد فاش می شود که نهضت آزادی کوشش میکرد تا بختیار را برای یک معامله کامل سیاسی به پاریس بفرستد.

دانشجویان در پایان اعلام کردند که در آستانه به افشاگری های دیگری نیز در مورد نهضت آزادی دست خواهند زد.

توضیح در شماره ۱۲۵ روزنامه «مردم»، پرسی در مورد علل بر کماری آقای علی اکبر نوشین به مدیر عاملی شرکت هلیکوپتر سازی وابسته به صنایع نظامی ارتش، مطرح شده بود. طبق اطلاعاتی که بدست آوردیم، آقای علی اکبر نوشین در افشاگریهای شورای شرکت مذکور، در نیمه اول آذرماه مجبور به استعفا گردیده است.

مصاحبه مطبوعاتی وزیر نفت

علی اکبر معین فر، وزیر نفت دیروز در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد، «ایران از کشورهای عضو اوپک درخواست تحریم فروش نفت به افریقای جنوبی را کرده است». خبر نکار «مردم» در این مصاحبه از وزیر نفت درباره سیاست نفتی آینده کشور سوال کرد و معین فر در جواب گفت: «در آینده با تأمین بالا شکام های صادراتی، اقدام به تولید محصولات مختلف نفتی خواهیم کرد این عمل در آینده حتماً باید انجام شود. به این اقدامات میتوان کارخانه های کشور را گسترش داد و گوشه ای از معضل بیکاری را حل نمود. این برنامه ها طی مدت آژندت است.»

استادی از تبار شهیدان خلق

یکسال از شهادت استاد کامران نجات‌اللهی گذشت:

پنجم دیماه سالروز شهادت استاد کامران نجات‌اللهی، استاد دانشگاه پلی‌تکنیک است، که در روزهای اوج انقلاب ایران با گلوله دشمنان شاه در خون خفتی خویش فروغی و به صفت شهیدی انقلاب ایران پیوست.

استاد کامران نجات‌اللهی در ادامه مبارزه خندامریالیستی و خلقی خود، سال پیش در روزهای که سایه سر نیزه حکومت نظامی شه فرموده برخاک خونین ایران گسترده بود، همراه دیگر استادان مبارز دست به تصنیف زد، در همین تصنیف با شلیک دشمن به شهادت رسید.

استاد شهید در سال ۱۳۳۰ در بیجار متولد شد وی از نسل تحصیلات عالی به عضویت هیات علمی دانشگاه پلی‌تکنیک درآمد. او پس از عضویت در هیات علمی دانشگاه پلی‌تکنیک، نه تنها از فعالیت‌های خود در راه آزادی و استقلال ایران نکاست، بلکه به آن جنبه وسیعتری داد. او یکی از متفکرترین اعضای آن بشمار میرفت.

آخرین فعالیت اجتماعی و سیاسی استاد کامران نجات‌اللهی شرکت در تحصن استادان وابسته به سازمان ملی دانشگاهیان ایران در وزارت علوم بود که در این ماجرا به شهادت رسید.

چهارشنبه ۲۹ آذرماه سال پیش، در اوج مبارزات قهرمانانه مردم ایران، سازمان ملی دانشگاهیان نیز به رود خروشان انقلاب پیوست و استادان عضو این سازمان پدنیال اعتراض خود نسبت به تعطیل شدن دانشگاهها، در بدین خانه دانشگاه تهران متحصن شدند و در روز شنبه دوم دیماه، که چهار روز از تحصن این استادان میگذشت، ۷۰ نفر از دیگر استادان دانشگاههای مختلف به وزارت علوم رفتند و چون با مقابله وزیر علوم روبرو شدند، تصمیم به تحصن در وزارت علوم گرفتند.

روزگروهیهای مختلف مردم برای اعلام همبستگی خود به مقابل وزارت علوم رفتند و با دادن شمارهای مختلف این استادان مبارز را تشویق به ادامه تحصن میکردند. استادان نیز از روی بالکن به ابراز احساسات تظاهرکنندگان جواب میفرستادند. نگاه ماموران نظامی رژیم خائن شاه سر میزدند و با شلیک گلوله مردم را برانگیز میکردند.

در روز شنبه، ۵ دیماه ۵۸، با توجه به تهدیدهای دشمن برای

راه پیمائی بزرگ علیه فتوایسیم



دهقانان زحمتکش اعلام میدارند: زمین مال کسی است که روی آن کار کند

ما حمایت و پشتیبانی کامل خود را از اقدامات اسلامی بعضی مقامات مسئول وزارت کشاورزی، در جهت کوتاه کردن دست فتوایسای غاصب و واگذاری زمین به روستائیان محروم، ابراز نموده و برای به ثمر رسانیدن این اقدامات اسبیل، آماده هرگونه همکاری و فداکاری می‌باشیم.

تصرف شجاعانه لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان مسلمان بیرو خط امام را، که سرآغاز مبارزه نوین ضد امریکائی ملت ماست قاطعانه تأیید نموده و اعتقاد راسخ داریم که برای تقویت جنبه اسلام در مقابل ام‌الفساد قرن، امریکای خونخوار، باید قاطعانه عمل کرده و حملات پی در پی و همه‌جانبه خود را بر یکدیگر پوسیده آمریکا وارد سازیم. «ارگانهای اجرائی، بخصوص شورای انقلاب مکلف است که با اقدامات سریع جهت درهم کوبیدن پایگاههای امریکایی و افشای قزاق‌داهای ننگین استعماری و شبکه‌های جاسوسی، جبران کوتاهیهای گذشته را در جهت نابودی ایادی داخلی استعمار بنماید.

در تمام طول راه پیمائی شنیده میشد، تظاهرکنندگان در جلوی وزارت کشاورزی اجتناب کردند و پس از خواندن پیام پاسداران پادگان توحید و کارکنان انجمن اسلامی وزارت کشاورزی، حجت‌الاسلام مجتهد شیبتری صحبت کرد. او ضمن سخنرانی خود گفت: «مبارزه با آمریکا، مبارزه با ستم آمریکا است، مبارزه با استثمار آمریکا است. چگونه ممکن است ما با این ظلم و ستم آمریکا مبارزه کنیم، ولی در کشور خود با استثمار مبارزه نکنیم؟ پس از حجت‌الاسلام مجتهد شیبستری، دکتر شیبانی پیامی برای دهقانان فرستاد و سپس استاد رضا اصفهانی سخنرانی کرد. او گفت: «ضد انقلاب آشوب بها می‌کند و می‌خواهد آنرا به گردن من بیاندازد، چون می‌داند تا من هستم اصلاحات ارضی واقعی حسی است. ولی من تا وقتی که حق کشاورزان را به آنها نرسانم، از پای نمی‌نشینم».

او در جای دیگر از سخنان خود گفت: «من از تمام کشاورزان می‌خواهم که به دشمن فرصت ندهند که بهانه پیدا کند. و دست به هیچ اقدامی که از مجرای وزارت کشاورزی نگذشته است، نزنند».

اعتقاد راسخ داریم که رسیدن به خودکفائی اقتصادی فقط در صورتی امکان دارد که برای حل مسئله زمین روستاییان ناروای نظام ضد بشری فتوایسیم، به شیوه‌های انقلابی اسلام متوسل شده و با الهام از پیشانی امیل اسلامی چون «الارض لمن احیاه» یعنی زمین از آن کسی است که با کار خود زنده‌اش می‌سازد. «و لیس للانسان الا ما سعى» یعنی هرکس (زارع) مالک حاصل کار خویش است، ضوابط مکتبی را در امر مالکیت بر زمین و کشاورزی پذیرفته و پیروزی انقلاب اسلامی را در این مرحله تحقیق بخشیم.

ما حرکتیهای انقلابی روستائیان ستم دیده را بر علیه ستم‌های فتوایسای، برحق دانسته و سوءاستفاده‌های عوامل فرستد طلب و ضدانقلابی را که در اثر بی‌توجهی مقامات مسئول در مورد زمین‌های کشاورزی صورت گرفته، محکوم می‌کنیم.

در پایان، قطعنامه راه پیمائی خوانده شد. در قطعنامه از جمله گفته شده بود: «مبارزه با امریکای جهانیانخواه، دشمن شماره یک اسلام را بهر راه و به هر وسیله و با وحدت کلمه تحت رهبری سازش‌ناپذیر امام‌خسینی بزرگ تا محو کامل وابستگیهای اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی ادامه خواهیم داد.

در تمام طول راه پیمائی شنیده میشد، تظاهرکنندگان در جلوی وزارت کشاورزی اجتناب کردند و پس از خواندن پیام پاسداران پادگان توحید و کارکنان انجمن اسلامی وزارت کشاورزی، حجت‌الاسلام مجتهد شیبتری صحبت کرد. او ضمن سخنرانی خود گفت: «مبارزه با آمریکا، مبارزه با ستم آمریکا است، مبارزه با استثمار آمریکا است. چگونه ممکن است ما با این ظلم و ستم آمریکا مبارزه کنیم، ولی در کشور خود با استثمار مبارزه نکنیم؟ پس از حجت‌الاسلام مجتهد شیبستری، دکتر شیبانی پیامی برای دهقانان فرستاد و سپس استاد رضا اصفهانی سخنرانی کرد. او گفت: «ضد انقلاب آشوب بها می‌کند و می‌خواهد آنرا به گردن من بیاندازد، چون می‌داند تا من هستم اصلاحات ارضی واقعی حسی است. ولی من تا وقتی که حق کشاورزان را به آنها نرسانم، از پای نمی‌نشینم».

رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب! استفاده از تمام امکانات، به وسیله‌ترین شکل تکتیر کنید و به توده‌های مردم برسائید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه میسر انقلابی است.

شهردار دام‌له در کرانه غرب رود اردن اعلام کرده که بیش از هفت هزار تن از مبارزان فلسطینی در زندان‌های صهیونیست‌های اسرائیلی در سرزمین‌های اشغالی بسر می‌برند. بنا به گزارش کمیسیون حقوق بشر در ژنو، شکنجه یکی از روش‌های معمول در زندان‌های اسرائیل است. از سوی دیگری یکی از مبارزان فلسطینی در زندان‌های صهیونیست‌ها بطور غیر منتظره درگذشت. زندانیان عرب در یکی از شهرهای اسرائیل به این خاطر دست به اعتصاب غذا زده‌اند.

شهردار دام‌له در کرانه غرب رود اردن اعلام کرده که بیش از هفت هزار تن از مبارزان فلسطینی در زندان‌های صهیونیست‌های اسرائیلی در سرزمین‌های اشغالی بسر می‌برند. بنا به گزارش کمیسیون حقوق بشر در ژنو، شکنجه یکی از روش‌های معمول در زندان‌های اسرائیل است. از سوی دیگری یکی از مبارزان فلسطینی در زندان‌های صهیونیست‌ها بطور غیر منتظره درگذشت. زندانیان عرب در یکی از شهرهای اسرائیل به این خاطر دست به اعتصاب غذا زده‌اند.

شهردار دام‌له در کرانه غرب رود اردن اعلام کرده که بیش از هفت هزار تن از مبارزان فلسطینی در زندان‌های صهیونیست‌های اسرائیلی در سرزمین‌های اشغالی بسر می‌برند. بنا به گزارش کمیسیون حقوق بشر در ژنو، شکنجه یکی از روش‌های معمول در زندان‌های اسرائیل است. از سوی دیگری یکی از مبارزان فلسطینی در زندان‌های صهیونیست‌ها بطور غیر منتظره درگذشت. زندانیان عرب در یکی از شهرهای اسرائیل به این خاطر دست به اعتصاب غذا زده‌اند.

تصحیح در شماره ۱۲۴ «مردم»، در مطلب «بر خورد و دوستانه سیاه پاسداران سواره، به اشتباه، نام حجت‌الاسلام شیخ علی موحد ساوجی، حجت‌الاسلام کبیر علی موحد ساوجی نوشته شده است که بدینوسیله تصحیح می‌گردد.

MARDOM No 127 - 26 December 1979 Price: West - Germany 0.80 DM France 2 fr Austria 8 sch. England 20 P. Belgium 10 fr. Italy 350 L. USA 50 Cts.

خوانندگان گرامی میتوانند در خارج از کشور به آدرس‌های زیر با «مردم» مکاتبه کنند. پاریس Rival Albert BP 75180 75001 Paris France

عرفات: سیاست تجاوزکارانه اسرائیل، خاورمیانه را بسوی یک جنگ جدید می‌برد. یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین، اعلام کرده که سیاست تجاوزکارانه اسرائیل، خاورمیانه را بسوی یک جنگ جدید پیش می‌برد. عرفات توافق نامه‌های کمپ‌دیوید را توطئه‌ای علیه اعراب و خلق فلسطین خواند و گفت که فلسطینی‌ها با تمام قوا با توطئه خائسانه کمپ‌دیوید مبارزه خواهند کرد. رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین از سوی دیگری در یک سخنرانی گفت که خلق فلسطین مانند یک بمب ساعتی است، که هرگونه توطئه را نابود می‌کند.

آمریکا رژیم سادات را بعنوان ژاندارم منطقه مسلح میکند. وزیر صنایع و تسلیحاتی رژیم مصر، پس از مذاکره با مقامهای آمریکائی در واشنگتن، به قاهره بازگشت. وزیر مصری در واشنگتن درباره خرید سلاحهای بازم بیشتر از آمریکا مذاکره کرد. قرارداد سدها تا تک و موشک ضد هوایی از سوی آمریکا به مصر تحویل داده شد. تسلیح ارتش مصر، علیرغم باطل شدن صلح، پس از اسرائیل، بخاطر نقشی است که سادات بعنوان یکی از زاندارم‌های امریکایی در آمریکا عهده‌دار شده است. اما آمریکا از سوی دیگری همچنان برتری نظامی اسرائیل را حفظ می‌کند، زیرا از آن بیم دارد که تحولات داخلی در مصر بر تغییر رژیم در این کشور، تمام محاسبات امریکایی‌ها را برهم زند.

رویدادهای جهانی بین‌اتحاد شوروی و آنگولا تفاهم کامل برقرار است. زوزه‌ها در درودوش سانتوش، رئیس جمهوری آنگولا، پس از بازگشت به لوآندا گفت که مذاکرات وی در مسکو با رهبران اتحاد شوروی بسیار رضایت بخش بوده است. رئیس جمهوری آنگولا گفت که میان دو کشور تفاهم کامل در همه زمینه‌ها برقرار است و این دیدار به تحکیم روابط کمک می‌کند. رسانه‌های گروهی آنگولا در اظهار نظرهای خود در مورد سفر رئیس جمهور این کشور از اتحاد شوروی، این دیدار را بسیار رضایت بخش دانستند.

با تکیه به پیام تاریخ، امام خمین، مسئله کمونیسم را از میان بردارند.